

## زحمتکشان، مبارزه برای امنیت شغلی، و حق برپایی سندیکا

جمهوری اسلامی، در اردیبهشت ماه، در راستای مقررات زدایی و انعطاف در قوانین بازار کار، که بخشی از برنامه "آزادسازی اقتصادی" است، اعلام کرد "تعاریف جدید از مفاهیم بازار کار" ارایه داده است، خبرگزاری مهر، ۴ خرداد ماه، نوشت: "با وجود مطرح بودن اصلاح قانون کار از ۸ سال گذشته و ارایه لایحه آن از سوی دولت به مجلس در سال گذشته، خبر می‌رسد جلسات

یکی از بحث‌های اصلی بین فعالان کارگری و جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان میهن‌مان، پیش و پس از رقابت‌های انتخاباتی اخیر ریاست جمهوری [بازدهم]، بررسی راهکارهای مخالفت با لایحه به اصطلاح اصلاح قانون کار، و خواست افزایش حداقل دستمزدها بوده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت دهم

ادامه در صفحه ۲



شماره ۹۲۳، ۲۶ خرداد ۱۳۹۲  
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

## بحران در صنایع خودروسازی، حاصل سیاست های ضد ملی است

اخیرا دولت آمریکا تحریم‌های جدیدی را به تصویب رسانید که بر اساس آن ها، افراد و شرکت‌هایی که به فروش، تامین یا انتقال کالاهای مهم، یا خدمات مورد استفاده در بخش صنعت خودروی ایران اقدام می‌کنند، تحریم خواهند شد. این تحریم‌ها از اول ژوئیه (دو هفته دیگر) به اجرا در می‌آیند. سایت فرارو، ۱۸ خردادماه، در قسمتی از خبری در همین ارتباط، نوشت: "با گسترده شدن دامنه تحریم‌ها بر صنعت خودروسازی حالا این سؤال مطرح است که این صنعت تا چه اندازه با تعطیلی کامل فاصله دارد؟"

بیان چنین نگرانی‌ای از سوی سایت فرارو راه، که قاعدتا از بحث‌ها و دل‌نگرانی‌های درونی رژیم می‌باید با اطلاع باشد، نباید خبری کلیشه‌ای قلمدادش کرد. اما موضوع مهمی که در این راستا باید بررسی شود پاسخ این سؤال است که: علت نگرانی‌های جدی در این ارتباط ناشی از کدامین واقعت‌های موجود است؟ بر هیچ‌کس پوشیده نیست که اعمال تحریم‌های اقتصادی پیامدهای زیان‌بار و مهلکی را متوجه اقتصاد ایران و توده‌های مردم کرده است، اما در ورای این وضعیت، جنبه دیگر ماجرا افشای سیاست‌هایی است که از سوی حکومتیان در طول چند دهه اخیر به مورد اجرا درآمده است، و با اجرای تحریم‌های اقتصادی، ماهیت ضد ملی و ضد مردمی بعضی از آن‌ها که به ضرر

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## از انتخابات مهندسی شده تا کنش اجتماعی مردم جان به لب رسیده در راه دستیابی به خواست‌ها و آرمان‌های شان



های رأی بیرون آورد، نیز اعلام آمادگی کرد تا با رئیس جمهوری منتخب مردم به طور کامل همکاری کند. انتشار پیام‌های مشابهی از سوی لاریجانی، رئیس مجلس، مهدوی کتی، احمدی نژاد، و دیگر سران رژیم در بر دارنده تیریک انتخاب حسن روحانی، و قول همکاری‌های همه جانبه با او، از راضی بودن رژیم از نتیجه انتخابات ۲۴ خرداد ماه ۱۳۹۲ حکایت می‌کند.

حزب ما، در ماه‌های اخیر، تحلیل‌های مشخصی را درباره انتخابات ارائه داد که درستی آنها را با بررسی روند برگزاری انتخابات می‌توان سنجید. حزب ما ماه‌های پیش از برگزاری انتخابات در تحلیل‌های خود از جمله این نظریه را مطرح کرد که: "روبنای سیاسی و هرم قدرت رژیم حاکم بدان درجه رشد یافته است که دیالکتیک کنش‌های ما بین جناح‌های حاکم با وجود رقابت‌ها و تقابل سنگین در نهایت در راستای وحدت و حفظ کل رژیم عمل می‌نماید. به عبارت دیگر قانون‌های قدرت‌های سیاسی - اقتصادی درون رژیم

انتخابات ریاست جمهوری ایران، با پیروزی حسن روحانی، با بیش از ۵۱ درصد آراء به پایان رسید. علی خامنه‌ای، ولی فقیه رژیم، در پیامی که به این مناسبت فرستاد، از جمله اعلام کرد: "صحنه حماسی و پرشور انتخابات در روز جمعه، ۲۴ خرداد، آزمون خیره‌کننده دیگری بود که چهره‌ی مصمم و پر امید ایران اسلامی را در معرض نگاه دوستان و دشمنان نهاد. رشد فزاینده‌ی سیاسی و پای فشردن بر مردم سالاری دینی صادقانه، حقیقت تابناکی است که با حضور متراکم شما در پای صندوق‌های رأی، یک بار دیگر در عمل به اثبات رسید و باطل السحر بافته‌ها و گزافه‌های دشمنان و حسدان و طمع ورزان شد..." خامنه‌ای همچنین اعلام کرد که حسن روحانی "رئیس جمهور منتخب، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت است. همه باید برای دست یافتن به آرمان‌های بزرگی که رئیس‌جمهور و همکاران وی در دولت، متعهد و مسئول تحقق‌آند، به آنان کمک و با آنان همکاری صمیمانه کنند..."

در پی این پیام خامنه‌ای، فرماندهی سپاه پاسداران، ابزار نظامی اعمال و حفظ دیکتاتوری خشن ولایت فقیه و محافظت از آن، که در کودتای انتخاباتی سال ۸۸، با سرکوب خونین جنبش اعتراضی مردم، محمود احمدی نژاد را از صندوق

ادامه در صفحه ۷

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

## ادامه زحمتگشان، مبارزه برای امنیت شغلی...

بررسی لایحه دولت در فراکسیون کارگری مجلس متوقف شده و قرار است برای رفع ایرادات به دولت بازگردانده شود. پیش از انتشار این خبر، رئیس هیئت مدیره قانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، در گفت‌وگویی با خبرنگاری‌های داخلی، یادآوری کرده بود که در جلسه‌های کمیسیون‌های تخصصی مجلس از جمله کمیسیون اجتماعی، فقط ۲۰ ماده قانون کار بررسی و ارزیابی شده است، و دولت نظر مثبتی برای برگرداندن لایحه اصلاح قانون کار [برای رفع ایرادهای آن] نداشته است. در این خصوص وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با صراحت تأکید کرده بود: "پس از گذشت بیش از ۲۰ سال توانستیم در زمینه قانون کار، اصلاحاتی را آماده و به مجلس بفرستیم. حال می‌توان در مجلس مباحث اختلافی را بررسی و رفع کرد و نیازی به بازگشت لایحه اصلاح قانون کار به دولت نیست." چندی پس از این گزارش‌ها و اقدام‌ها، خبرگزاری ایسنا، عذر داده، خاطر نشان ساخت: "سخنگوی قانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران کشور از اعمال برخی تغییرات در پیش‌نویس اولیه اصلاح قانون کار و ارسال مجدد آن به کمیسیون اجتماعی مجلس خبر داد."

تمامی این خبرها نشان‌دهنده حاد بودن موضوع اصلاح قانون کار، حساسیت جدی طبقه کارگر و دیگر زحمتگشان به این مسئله، و هراس ارتجاع حاکم از رشد و گسترش اعتراض‌های کارگری‌ای است که می‌تواند جرقه‌یی بر انبار باروت نارضایتی‌های انباشته شده در محیط‌های کارگری سراسر کشور باشد. کارگران و زحمتگشان میهن ما در طول تمام سال‌های سپری‌شده به خوبی دریافته‌اند که بدون مقاومت متشکل، متحد، و سازمان‌یافته - که از سطح معینی از همبستگی برخوردار باشد - نخواهند توانست از حقوق و منافع خود، اعم از صنفی و سیاسی، دفاع کنند و مانع دستبردهای ارتجاع به حقوق و دستاوردهای تاریخی‌شان شوند. تجربه سال‌های نخست انقلاب، و مقاومت متشکل کارگران و زحمتگشان در چارچوب تشکلات و سندیکاهای آن زمان در برابر "قانون کار توتلی"، به نسل‌های دیروز و امروز جنبش سندیکایی موجود ثابت می‌کند که، یگانه راه مطمئن، مؤثر، و کارآمد، مبارزه سازمان‌یافته و مقاومت اعتراضی‌ای گسترده در جامعه است که همه کارگران و زحمتگشان را - فارغ از تعلق‌های سیاسی، مذهبی، و عقیدتی - بر پایه منافع صنفی - رفاهی دربرگیرد، و جنبه اجتماعی‌ای واقع‌گرایانه داشته باشد. از این روی، برای مقابله کردن با سیاست‌های ضد کارگری رژیم ولایت فقیه، به‌ویژه رویارویی با لایحه به اصطلاح اصلاح "قانون کار"، که قرار است در مجلس به تصویب برسد - و احتمالاً دولت آینده [دولت حسن روحانی] خواهد کوشید در برابر خواست کارگران در زمینه این به اصطلاح اصلاح "قانون کار"، از پذیرش هرگونه مسئولیتی در این باره شانه خالی کند - تأکید کردن بر: حق تشکلیابی، احیای حقوق سندیکایی، و بازسازی و برپا داشتن سندیکاهای مستقل، اهمیت اساسی دارد. وجود سندیکا و تشکلات مستقل، که بر پایه صحیح طبقاتی سازمان‌دهی شده باشد، حتی در تجربه اخیر، یعنی مخالفت گسترده کارگران با میزان حداقل دستمزدها، برای فعالان نسل نو جنبش کارگری - سندیکایی درس‌های گران‌بهای دربر داشته است. مانورهای گوناگون در خصوص دستمزدها، تشکیل مجدد جلسه‌های شورای عالی کار، و از این قبیل اقدام‌ها، نتوانسته و نمی‌توانند از رشد جنبش اعتراضی کارگران جلوگیری کند و فریادهای حق طلبانه زحمتگشان را خاموش سازد. خبرگزاری ایسنا، ۵ خردادماه، با اشاره به اعتراض‌های روبه‌گسترش در مرکزهای کارگری، نوشت: "حق مسکن ۱۰ هزار تومانی که هم‌اکنون در فیش حقوقی کارگران درج می‌شود تحقیرآمیز است و طی ۸ سال گذشته حق مسکن کارگران افزایش نیافته است." ایسنا همچنین در گزارشی، ۱۱ خردادماه، نوشت: "حق مسکن و خواربار کارگران شاغل سال‌هاست که بدون هیچ افزایش [ی] همچنان در فیش حقوقی کارگران ثابت مانده [است] و رقم ناچیز آن هیچ تأثیری در تأمین معاش کارگران ندارد... این در حالی است که بسیاری از کارفرمایان... از پرداخت همان حداقل‌ها به کارگران خودداری می‌کنند." بنابراین، دامنه، ژرفا، و بُعدهای نارضایتی کارگران و زحمتگشان میهن‌مان بسیار فراتر از آنی است که رژیم ولایت فقیه با این گونه مانورهای فریبکارانه بتواند به آن

مهار بزند. به ویژه آنکه، اعتراض‌های پراکنده سالیان اخیر، علاوه بر آنکه گسترش کمی و کیفی یافت، سطح معینی از تجربه را نیز به دست آورد، و با خواست احیای حقوق سندیکایی کره خورد. بی‌دلیل نیست که مداخله ارگان‌های حکومتی - از وزارت کار گرفته تا حراست کارخانه‌ها و قوه قضاییه - در مسئله‌های مرتبط با تشکلیابی زحمتگشان به نحوی چشم‌گیر افزایش یافته است. یادآوری نمونه‌هایی از این دخالت‌ها - که با روح منشور جهانی حقوق سندیکایی، مقابله‌نامه‌های سازمان جهانی کار، و حقوق بنیادین کار، در تضاد و رویارویی‌اند - برای شناخت جنبه‌های گوناگون برنامه‌های واپس‌گرایان بر ضد جنبش کارگری - سندیکایی موجود، ضروری است: خبرگزاری ایسنا، ۳۰ اردیبهشت‌ماه، نوشت: "دادخواست انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز برای ابطال مصوبه دستمزدها در دیوان عدالت اداری ثبت نشد... رئیس انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز گفت، شوراها اسلامی کار به موجب اساسنامه خود و می‌توانند رأساً به نمایندگی از کارگران علیه مصوبات دستگاه‌های دولتی در دیوان عدالت اداری اقامه دعوی کنند اما طرح دعوی توسط انجمن صنفی کارگران با ایراد قانونی مواجه شده است [مانع‌تراشی حساب‌شده ارتجاع]... دیوان عدالت اداری به دلیل ایراد اساسنامه‌ای از ثبت و پذیرش دادخواست... خودداری کرده است." به علاوه، ایسنا، ۶ خردادماه، یادآوری کرد: "رد صلاحیت‌ها در انتخابات انجمن صنفی کارگران ساختمانی شیراز... در روز انتخابات رکن اصلی، انجمن یعنی مجمع تشکیل نشد و تنها براساس برنامه‌ریزی هیئت مدیره و مسئولین اداره کار [مسئولان اداره کار شیراز] افرادی که سابقاً به صورت خاص کارت ورود به جلسه را دریافت کرده بودند در انتخابات شرکت کردند... نام تعدادی از افراد پس از ثبت‌نام رد صلاحیت شده بود... دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی سراسر کشور اظهار داشت، اگر رد صلاحیتی صورت گرفته براساس آیین‌نامه انجمن صنفی بوده است."

ایسنا، ۱۰ خردادماه، در گزارش دیگری نوشت: "دستور انحلال انجمن صنفی نقاشان ساختمانی استان تهران توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی... به این انجمن ابلاغ شده است. این انجمن صنفی حق صدور کارت عضویت برای کارگران نقاش را ندارد."

چنان‌که این گزارش‌ها نشان می‌دهند، دامنه مداخله وزارت کار، نهادهای امنیتی، و دیگر اداره‌های حکومتی در امور مربوط به تشکلات کارگری بیش‌ازپیش گسترش یافته است، و حتی به تأیید نکردن صلاحیت برای عضویت در هیئت مدیره این تشکلات نیز رسیده است. هدف واپس‌گرایان، تقویت تشکلات زرد و در خدمت رژیم است. در این زمینه ایسنا، ۳۰ اردیبهشت‌ماه، در گزارشی افشاگرانه، تأکید کرد: "واکنش کارگران به فعالیت سیاسی تشکلات دولت‌ساز... تشکلاتی دولت‌ساز از مقبولیت لازم... برخوردار نیستند. تشکلاتی مانند مجمع عالی نمایندگان کارگری با تلاش معاونت روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و به‌منظور پیشبرد اهداف دولت ایجاد شده است."

علاوه بر این تشکلات، یعنی: مجمع عالی نمایندگان کارگری، از چندین تشکلات، با ظاهری بی‌طرف، می‌توان نام برد که همگی به هدف‌های برنامه‌های رژیم و جناح‌بندی‌های گوناگون آن خدمت می‌کنند. یکی از آخرین نمونه‌ها، اعزام هیئتی به نام کارگران به نشست نویتی سازمان بین‌المللی کار بود. در ترکیب هیئت اعزامی جمهوری اسلامی، ۲۴ نماینده از دولت و کارفرمایان و ۷ نماینده از به اصطلاح کارگران بود. نمایندگان "کارگری" افرادی از "کانون عالی شوراهای اسلامی کار"، "کانون عالی انجمن‌های صنفی"، و "مجمع عالی نمایندگان کارگری" بودند که همگی از وابستگی رژیم بودند و در مصوبه‌های ضد کارگری "شورای عالی کار" و نهادهای دیگری از این دست، نقشی مخرب داشته‌اند. در این زمینه بی‌انیه مشترک سه تشکلات سندیکایی مستقل کارگری، یعنی: "سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه"، "سندیکای کارگران فلزکار مکانیک"، و "هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش"، خطاب به ریاست "سازمان بین‌المللی کار" منتشر شد که به درستی و به‌حق یادآوری می‌کند که، هیئت اعزامی به‌هیچ‌روی نماینده واقعی کارگران ایران نیست، و جمهوری اسلامی مقابله‌نامه‌های بنیادین "سازمان بین‌المللی کار" را نقض کرده است.

## راهبرد اقتصادی رژیم ولایت فقیه، شکاف طبقاتی، و گسترش فقر

و گسترش فقر در جامعه را به خوبی بازگو می‌کنند. مقایسه این آمار رسمی با میزان دستمزد کارگران، کارمندان، آموزگاران، دبیران، و نیز درآمد صنعتگران و تولیدکنندگان کوچک و متوسط صنعتی - خدماتی، بهترین معیار برای قضاوت درباره ماهیت رژیم ولایت فقیه، مضمون برنامه های آن، و سمت گیری اقتصادی - اجتماعی ضد مردمی این رژیم مستبد و فاسد است. علاوه بر این ها، روزنامه اعتماد، ۲۰ خردادماه، در گزارشی خاطر نشان ساخته بود که، هزینه خانوار از درآمد پیشی گرفته است، و سهم مواد غذایی رفته رفته از سبد خانوار حذف می‌شود. باتوجه به هزینه های روبه افزایش، تأمین حداقل ضروریات تغذیه و سلامت از سبد خانوار حذف می‌گردد. همچنین روزنامه بهار، ۱۸ خردادماه، نیز گزارش داده بود که، فقر و فلاکت در کشور افزایش یافته و شاخص فلاکت به عدد ۴۴ درصد رسیده است. بی جهت نبود که برخی کارشناسان اقتصادی هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری با پرشردن دلیل های کارشناسانه به صراحت تأکید می‌کردند: اقتصاد کشور زیر تسلط بانک جهانی است و کاستی های ساختاری اساسی دارد. انحصارهای بسیار قدرتمندی شکل گرفته اند که منافع طبقه ولایه های خاصی را نمایندگی می‌کند و دارای قدرت سیاسی و اقتصادی اند. برای درک بهتر این موضوع، یادآوری نمونه هایی خالی از فایده نیست. چندی پیش سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) اعلام کرد: مطابق با سیاست نظام مبنی بر خصوصی سازی و آزادسازی اقتصادی، تمامی معدن های کشور و نیز طرح های بزرگ صنعتی از جمله صنایع فولاد و پتروشیمی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. این نوع واگذاری ها در حقیقت چنگ اندازی انحصارهای قدرتمند و صاحب نفوذ در حکومت، بر اقتصاد ملی و ثروت های ملی است. در این باره، و نیز موشکافی در چنین واگذاری هایی، روزنامه اعتماد همراه با درج خبر خصوصی سازی از قول رقیب های جناحی، نوشته بود: "در شرایط تورمی و قدرت خرید پول ملی، دارایی های کشور ارزشی دو تا سه برابر پیدا کرده است و بنابراین اگر قیمت این دارایی ها (معادن، کارخانه ها، بانک ها، زمین ها و...) به صورت رسمی کماکان به قیمت قبلی ارزیابی شده باشد، هر فردی که به نوعی در این واگذاری ها برنده شود و اقبال داشته باشد، درآمد بادآورده ای با ارزش ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد قیمت پرداختی پیدا خواهد کرد."

خبرگزاری ایلنا، در اواخر اردیبهشت ماه، گزارش داد: "سازمان خصوصی سازی در فروردین ماه سال جاری ۵۶ هزار و ۷۹۲ میلیارد ریال سهم دولتی را واگذار کرد." به عبارت دیگر، کانون و انحصارهای پر قدرت اقتصادی با استفاده از رانت، این سهام دولتی را تصاحب کرده اند. علاوه بر این نمونه ها، باید یادآور شد که، آزاد سازی اقتصادی برپایه فرمان های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، هسته اصلی برنامه های رژیم و دولت جدید است. فراموش نکنیم که، هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، اتاق بازرگانی با اقدامی پرمعنا و معین، برنامه ای را با نام: "بسته ویژه برای عبور از موانع اشتغال"، تهیه و منتشر ساخت که در حقیقت رهنمود اقتصادی به دولت آینده است. روزنامه دنیای اقتصاد، ۸ خردادماه، در این باره گزارش داد: "سی امین نشست هیات نمایندگان اتاق تهران این بار بررسی وضعیت اشتغال و بازار کار را در دستور کار قرار دادند... [و] بسته ویژه برای عبور از موانع اشتغال به دولت آینده پیشنهاد داد. بهبود بازار ارز، اصلاح روند اجرای قانون هدفمندی یارانه ها، زمینه سازی دولت برای ایجاد اشتغال از سوی بخش خصوصی، اصلاح رابطه بانک ها و بنگاه ها، اصلاح روند خصوصی سازی ها، بهبود روند مواجهه با تحریم های بین المللی و عبور از تنگنای منابع طبیعی و زیست محیطی، هفت راهکاری بودند که برای رفع موانع اشتغال زایی در کشور اعلام شد. اعضای هیات نمایندگان اتاق تهران نیز بهبود مدیریت اقتصادی در کشور و حرکت به سمت مدیریت کارآمد را به عنوان راهکار هشتم به این مجموعه اضافه کردند."

چنان که پیداست، در محتوای برنامه های اقتصادی تفاوتی وجود ندارد و صرفاً بحث تغییر روش ها، سلیقه ها، و مدیریت در میان است. برنامه های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه، در محتوا و مضمون، ضد مردمی است و به رکود، نابودی بنیه تولیدی، شکاف طبقاتی، فقر و شکل گیری انحصارهای قدرتمند حکومتی با استفاده از رانت، منجر شده است. درست با اجرای چنین برنامه هایی در دولت های مختلف جمهوری اسلامی بوده است که کشور به لبه پرتگاه کنونی کشانده شده است. برپایه سمت گیری اقتصادی - اجتماعی ضد مردمی رژیم ولایت فقیه است که اقتصاد دلالی رواج یافته و بنابر آمارهای رسمی، هر دقیقه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به بخش غیرمولد اقتصاد ایران وارد می‌شود. مردم ما، به خصوص زحمتکشان شهر و روستا، با این برنامه ها در رویارویی اند و برضد آن مبارزه کرده و می‌کنند.

مجلس شورای اسلامی، همزمان با کارزار انتخابات ریاست جمهوری، سرانجام پس از مدتی بحث و نزاع، بودجه سال کنونی - ۱۳۹۲ خورشیدی - را تصویب کرد. پیش از مصوبه مجلس، و هنگام رقابت تبلیغاتی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، گزارش های بسیاری از اوضاع وخیم اقتصادی کشور، رشد پدیده فقر و نابودی بنیه تولیدی - صنعتی انتشار می‌یافت. در گرماگرم تبلیغات انتخاباتی و برگزاری مناظره ها، برخی نکته ها از برنامه اقتصادی نامزدها اعلام و بازگو شد. از خلال این نکته ها می‌توان به روشنی گفت که، سیاست راهبردی رژیم در زمینه مسئله های اجتماعی که در قالب برنامه هایی همچون آزادسازی اقتصادی، مقررات زدایی، و خصوصی سازی، تا کنون تهیه، تدوین، و اجرا می‌شده است، با اندکی تغییر در روش های اجرایی، با قوت ادامه خواهند یافت. هنوز وضعیت ریاست جمهوری جدید روشن نشده رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی از افزایش نقدینگی و ورشکستگی صنایع مختلف خبر داد. روزنامه بهار، ۶ خردادماه، گزارش داد: "در بیست و سومین همایش پولی و ارزی با عنوان ثبات اقتصادی و حمایت از تولید، محمود بهمنی رییس کل بانک مرکزی، رقم نقدینگی را ۴۶۴ هزار میلیارد تومان اعلام می‌کند. این رقم نشان می‌دهد که در زمانی کمتر از ۲ ماه حجم نقدینگی کشور حدود ۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است." همزمان با انتشار این گزارش، مرکز پژوهش های مجلس، در برآوردی آماري، اعلام کرد که، پیش بینی می‌شود نرخ تورم در سال جاری ۳۲ درصد، نرخ رشد اقتصادی تا منفی ۴ درصد، و نرخ رشد نقدینگی ۳۰ درصد باشد. مرکز پژوهش های مجلس خاطر نشان ساخت: "مشخصه دوسال اخیر (۱۳۹۱-۱۳۹۰) نوسان شدید متغیرهای اقتصاد کلان به ویژه کاهش نرخ رشد اقتصادی و افزایش شدید نرخ تورم بوده است... بی انضباطی مالی، عدم تعادل منابع و مصارف قانون هدفمند کردن یارانه ها و تزریق بی رویه منابع حاصل از نفت به بودجه، بی انضباطی پولی یعنی رشد نقدینگی و تحریم های اقتصادی از جمله دلایلی اند که... موجد آثاری از قبیل افزایش نرخ تورم، افزایش نرخ ارز و کاهش رشد اقتصادی هستند." این برآورد آماري درحالی منتشر شد که مرکز آمار ایران نرخ تورم در منطقه های شهری کشور در فروردین ماه ۹۲ را بیش از ۳۱ / ۵ درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه را نیز ۴۰ / ۶ درصد اعلام کرده بود. به تصریح مرکز آمار جمهوری اسلامی، شاخص گروه اصلی خوراکی ها نسبت به ماه مشابه سال قبل ۴ / ۵۷ درصد افزایش داشته است. معنی این آمار کاملاً مشخص است: رشد پدیده فقر در سراسر کشور!

در این زمینه، گزارش روزنامه اعتماد، ۸ خردادماه، یعنی در گرماگرم تبلیغات نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، جالب و بسیار افشاگرانه است. روزنامه اعتماد نوشته بود: "شاید جالب باشد و البته سوال برانگیز، در کمتر از یک روز مرکز آمار ایران سه گزارش از ۱۱ سال اقتصاد ایران منتشر کرد که هر یک از این گزارش ها به نوبه خود، بروز چالش های جدید و پیچیده اقتصاد ایران از ابتدای دولت نهم تا روزهای پایانی آن را آشکار می‌کند، چالش هایی در رابطه با توزیع ثروت و توانایی هزینه کرد دهک های مختلف جامعه، وضعیت اشتغال و بیکاری، و در نهایت، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری... نگاه به گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری براساس سال پایه ۸۱، از کاهش بیش از ۵ برابری ارزش پول ملی طی ۱۱ سال حکایت دارد." گزارش روزنامه اعتماد در بخش دیگر می‌افزاید: "شاخص گروه خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات در ۱۱ سال گذشته با رشد ۷ برابری روبه رو بود و اگر به فرض ارزش یک کالا در سال ۸۱ برای یک خانوار ۱۰۰ تومان بود، در پایان دولت هشتم برای همین کالای فرضی باید ۱۳۲ تومان خرج کرد و در پایان سال ۹۱ - چندماه قبل از پایان دولت دهم - ارزش این کالای فرضی ۷۰۸ تومان شده بود... قدرت خرید مردمی بیش از پیش کاهش یافت... در طول ۸ سال دولت نهم و دهم، میزان پولی که برای یک کالای خاص باید هزینه می‌شد، ۵ برابر شده و قدرت خرید مردم نیز در رابطه به خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات ۵ برابر کاهش یافته است... نرخ تورم در سال ۸۸ تک نرخی و ۹ / ۵ درصد شد، اما از همان زمان با رشد صعودی بالا در سال ۸۹ به ۱۳ / ۹ درصد، در سال ۹۰ به ۲۶ / ۴ درصد و در سال ۹۱ به ۳۱ / ۵ درصد رسید." این آمار و رقم ها، سیمای فاجعه بار اقتصادی کشور



بسته شده... باید ملغی شود." در واقع باید تاکید کنیم که، قراردادی که سپاه پاسداران به آن در حکم پذیره اشاره می‌کند، زیر فشار و با ارعاب از انجمن وقت زرتشتیان گرفته شده است، و اکنون وکلای انجمن زرتشتیان با ارائه دلیل‌های کافی بر آن پافشاری می‌کنند و لغو این پذیره را که فاقد و جاهت قانونی است، خواستارند. سپاه پاسداران با استناد به قرارداد تحمیلی خود که هیچ حقوق دانی آن را تایید نمی‌کند، مدعی است که زمین‌های متعلق به زرتشتیان در تملک سپاه پاسداران است. چنین زورگویی و اجحاف‌هایی همواره نسبت به اقلیت‌های مذهبی در رژیم ولایت فقیه به کار برده شده و می‌شود. علاوه بر این‌ها، باید به اعمال فشار هدفمند ارگان‌های امنیتی طی چندماه اخیر نسبت به کلیساها و مراکزهای

فرهنگی و مذهبی هم‌میهنان ارمنی و آسوری اشاره کرد. وزارت اطلاعات، در هفته‌های اخیر، کلیسای گروهی از مسیحیان در تهران را با زور و تهدید تعطیل کرد و یکی از مسئولان آن را بازداشت و روانه زندان کرد. همچنین وضعیت درویش‌های گنابادی کماکان نگران‌کننده است. بنابر گزارش‌های منتشر شده، هفت تن از درویش‌های گنابادی، در ۶ خردادماه، به دادگاه انقلاب اسلامی شیراز احضار شدند. اتهام این افراد "اخلال در نظم عمومی" عنوان شد. هدف از این احضارها به وجود آوردن جو هراس و وارد آوردن فشار بیشتر بر درویش‌های گنابادی است. در ماه‌های اخیر موردهایی از نادیده گرفته شدن حقوق هم‌میهنان اهل سنت نیز مشاهده شده است. اعتراض پیروان اهل سنت به مداخله دفترهای ولی فقیه در امور فرهنگی و مذهبی آنان همچنان فضای منطقه‌هایی چون سیستان و بلوچستان را به‌طور جدی متشنج ساخته است.

در خصوص نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی باید به اعمال فشار، بازداشت، اخراج از کار، و پیگرد امنیتی هم‌میهنان بهایی نیز اشاره کرد. در ماه‌های گذشته ده‌ها تن از شهروندان بهایی بدون هیچ علتی و صرفاً به دلیل تعلقات عقیدتی و مذهبی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. احضار و تهدید، بازداشت و شکنجه و اخراج از کار، شیوه مرسوم و ضدانسانی رفتار واپس‌گراهای قشری برضد هم‌میهنان بهایی است.

مبارزه با استبداد و ارتجاع، از دفاع از حقوق بدیهی اقلیت‌های مذهبی کشور جدا نیست. ایرانیان با هر اعتقاد، مذهب، رنگ، و زبانی، حقوق، منافع، زندگی، و آینده مشترکی دارند.

### خصوصی‌سازی آموزش، و منافع توده‌های محروم جامعه خصوصی‌سازی آموزش، به‌زیان تحصیلات فرزندان محروم جامعه است

ازسوی مسئولان وزارت آموزش و پرورش و دیگر متصدیان امور نظام آموزشی، در چند هفته اخیر، درباره خصوصی‌سازی آموزش و گسترش مدرسه‌های خصوصی، در همه سطح‌های تحصیلی، زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد.

خبرگزاری مهر، ۵ خردادماه، گزارش داد: "بطور حتم هرگونه افزایش شهریه در آموزش و پرورش یا حتی موسسات آموزش عالی بدون مجوز و ابلاغیه وزارتخانه [آموزش و پرورش] خلاف قانون است."

این سخنان در حالی بیان شد که بنابر گزارش روزنامه‌ها، از جمله روزنامه شرق در ۷ خردادماه، مدرسه‌های خصوصی زیر نام: مدارس غیرانتفاعی، شهریه‌های ۲ تا ۵ میلیون تومانی دریافت می‌کنند، و همچنین عده‌ای از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، با گرفتن تاییدیه از برخی روحانیون، در صدد گسترش این مدرسه‌های خصوصی‌اند. در این زمینه، خبرگزاری ایلنا، اوایل خردادماه، نوشته بود: "مشاور وزیر آموزش و پرورش و دبیر ستاد همکاری حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش از نظام‌مند شدن روحانیون در مدارس تحت عنوان مشاور مذهبی خبر داد. حجت‌الاسلام ملکی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا با اعلام این مطلب گفت، در تلاش هستیم تا استقرار روحانیون تحت عنوان مشاور مذهبی در مدارس را نظام‌مند کنیم... همچنین راه اندازی رشته تربیت مُبلغ برای واحدهای دانش‌آموزی را در دستور کار داریم."



### نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی همچنان ادامه دارد: پایمال کردن حقوق اقلیت‌های مذهبی در همه عرصه‌های زندگی!

تبعیض و بی‌اعتنایی به حقوق مساوی میان همه شهروندان کشور، زندگی را برای اقلیت‌های مذهبی دشوارتر از همیشه ساخته است. از چند سال پیش به این سو، نقض خشن حقوق هم‌میهنان زرتشتی، ارمنی، آسوری، کلیمی، اهل حق، بهایی و پیروان تسنن را شاهدیم. هیچ عرصه‌یی از زندگی نیست که تاریک اندیشان کهنه‌پرست در آن بر اقلیت‌های مذهبی کشور اجحاف نکنند. در روزهای گذشته اوباش بسیجی و نیروهای امنیتی و انتظامی اعمال فشار بر پیروان یارستان را شدت بخشیده‌اند. توهین و تحقیر این هم‌میهنان در شهرهای مختلف استان‌های کرمانشاه و همدان، نارضایتی مردم و واکنش اعتراضی پیروان آیین یارستان را سبب شده است. یکی دیگر از نمونه‌ها، زورگویی سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی فعال در امور اقتصادی در حق جامعه زرتشتیان کشور ماست. "امرداد"، تارنمای خبری جامعه زرتشتیان، خردادماه، در گزارشی با اشاره به برخورد زورگویانه سپاه پاسداران نسبت به حقوق هم‌میهنان زرتشتی، از جمله نوشت: "فرنشین (صدر) انجمن زرتشتیان تهران گفت مبلغ اجاره بها را قبول نداریم... زمین‌های قصر فیروزه... نزدیک به ۸۰ سال پیش از سوی نماینده وقت زرتشتیان در مجلس وقف جامعه زرتشتی شد. در زمان جنگ سپاه مانوری را در این زمین‌ها برگزار می‌کرد و از آن پس نیز در همان جا ساکن شد. انجمن وقت [انجمن وقت زرتشتیان در دهه شصت خورشیدی] در همان زمان به سپاه تذکر می‌دهد که اینجا زمین وقفی است [متعلق به زرتشتیان است]... سپاه می‌پذیرد که زمین‌های قصر [فیروزه] وقف هستند و باید مستاجر باشد. موضوع اینجاست که مبلغ اجاره‌ای که بابت این زمین‌ها پرداخت می‌شود بسیار کم است."

در بخش دیگر این گزارش گفته می‌شود: "در یکی از گردش‌های انجمن زرتشتیان تهران (دوره فعالیت انجمن‌ها) قراردادی نوشته می‌شود که چند بند، از جمله پرداخت پذیره ازسوی سپاه به انجمن در آن آمده است... هم‌اکنون سپاه می‌گوید ما به شما پذیره داده‌ایم، یک سو این زمین‌ها از آن ماست [یعنی متعلق به سپاه پاسداران است] ما در انجمن زرتشتیان این سخن را قبول نداریم. ما می‌گوییم قراردادی که در آن زمان



## ادامه رویدادهای ایران ...



حضور  
طلبه ها و  
روحانیون  
حکومتی در  
سیستم  
آموزشی  
کشور، به  
وارد آوردن  
لطمه هایی  
جدی به  
سطح و  
کیفیت  
تحصیلی  
دانش آموزان  
منجر شده

است. به ویژه آنکه، گروهی از این طلبه ها و روحانیون حکومتی، پس از گذشت مدت زمانی از حضورشان در مدرسه ها در مقام مشاور مذهبی، با حمایت های مالی دولت احمدی نژاد و شماری از بنیاد های انگلیسی، خودشان مدرسه های خصوصی راه انداخته اند. در این گونه مدرسه ها، شهریه های چند میلیونی نیز دریافت می شود.

خبرگزاری مهر، ۹ خردادماه، با اشاره ی تلویحی به این مسئله، گزارش داد: "همه سال با آغاز فصل ثبت نام دانش آموزان گلایه های بسیار زیادی مبنی بر افزایش بی رویه شهریه های مدارس غیرانتفاعی از سوی والدین می شود... این دسته مدارس [مدارس خصوصی]... همواره درصد افزایش شهریه ها در هر سال تحصیلی هستند. افزایش بی رویه شهریه های مدارس غیردولتی دیگر صدای نمایندگان مجلس را [هم] درآورده است."

جالب اینجاست که، خود وزارت آموزش و پرورش هم زیر نام و بهانه های مختلف از در هنگام ثبت نام دانش آموزان پول هایی از والدین شان می گیرد، چنان که مبلغ این پول ها هر ساله افزایش چشم گیر پیدا کرده است، و خانواده های کارگری، کارمندی، و به طور کلی خانواده های زحمتکش و محرومان جامعه را برای ورود فرزندان شان به مدرسه با دشواری روبه رو ساخته و می سازد. به گزارش خبرگزاری مهر، ۹ خردادماه: "دبیر ستاد ثبت نام و مدیرکل ارزیابی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد والدین دانش آموزان ابتدایی تنها مجاز به پرداخت پول کتاب و بیمه دانش آموزی به مدارس دولتی هستند. روند ثبت نام دانش آموزان از ۵ خردادماه آغاز شده است و والدین تنها مجاز به پرداخت پول کتاب و بیمه هستند. حق بیمه هر دانش آموز ۳ هزار تومان هنگام ثبت نام است." برای نمونه، در همین گزارش، جدول قیمت کتاب های درسی ابتدایی برای سال تحصیلی ۹۲-۹۳ چاپ شده و در آن نوشته شده است که، برآورد [خوب توجه کنید: برآورد و نه قیمت نهایی] یک دوره کتاب های درسی سال چهارم ابتدایی ۷۵۰۰۰ ریال است. درخصوص برنامه رژیم و ولایت فقیه برای خصوصی سازی مدرسه ها، گزارش روزنامه شرق، ۹ خردادماه، جالب توجه و دربردارنده نکته های مهمی است. در این گزارش، که پیش از برگزاری انتخابات [دوره یازدهم ریاست جمهوری] انتشار یافته است، نگرانی و ناراضی عمیق فرهنگیان شریف و متعهد را

می توان به خوبی دید. در گزارش روزنامه شرق آمده است: "در روزهای گذشته درباره خصوصی سازی در آموزش و پرورش و مدرسه های غیردولتی [غیرانتفاعی] از دو نفر از این نامزدها، موضع گیری کمابیش همسانی در رسانه ها منتشر شد... حضور بخش خصوصی در آموزش پیش از دانشگاه، بدون تردید به افزایش بی عدالتی آموزش منجر خواهد شد زیرا از مدارس خصوصی بیشتر گروه های مرفه جامعه استفاده می کنند و گروه های متوسط و پایین از آن بهره ای نمی برند و این امر باعث نابرابری آموزشی... می شود." در این گزارش سپس با صراحت و تاکید یادآوری می شود: "با افزایش شهریه ها و کیفیت پایین آموزش بسیاری از این مدرسه ها [مدارس خصوصی] و ... فلسفه وجودی این مدرسه ها، بیش از پیش به زیر پرسش رفته است."

خصوصی سازی آموزش، و تحمیل نظریه های قرون وسطایی و کهنه به نظام آموزشی کشور، در سرشت و ماهیت رژیم ولایت فقیه است که با اندیشه های نو و مترقی در ستیز است. خصوصی سازی آموزش به زیان توده های محروم جامعه است!

## اتاق بازرگانی، منافع کلان سرمایه داران، و برنامه دولت آینده!

در حالی که کارزار تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری ادامه داشت و آرایش های سیاسی مشخص تر می شد، نمایندگان اتاق بازرگانی بیشترین مراد، رابزنی، و مشاوره را با نامزدهای انتخابات داشتند. پیش از برگزاری انتخابات و درست در گرمای رخ دادهای سیاسی و صف آرای جناح ها، رسانه های همگانی گزارش هایی از تلاش های همه جانبه اما کم سروصدای اتاق بازرگانی در زمینه انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری، انتشار دادند.

روزنامه دنیای اقتصاد، ۶ خردادماه، نوشت: "بیانیه انتخاباتی اتاق ایران منتشر شد. رییس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران در بیانیه ای، به پرسش هایی درباره نحوه مشورت دهی اعضای اتاق به نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری پاسخ داد و گفت، اعضای اتاق ایران به منظور ارایه مشاوره اقتصادی برای تمام نامزدهای انتخاباتی، آمادگی دارند... برحسب قانون، به عنوان مشاور اقتصادی نظام و قانون اقتصادی ایران، وظیفه خود را ارایه نظرات... می دانند. در همین راستا، بیانیه ۲۲ ماده ای اتاق در هفته گذشته به تصویب هیات نمایندگان رسید و گزارش تفصیلی "ارزیابی روند و برنامه عمل" تدوین شده که به همه نامزدهای ریاست جمهوری ارایه می شود... آنچه تا به حال توسط مسئولان و اعضای اتاق صورت گرفته است، ارایه نظرات مشورتی به هریک از نامزدهای ریاست جمهوری که درباره مسایل اقتصادی کسب نظر کرده اند، بوده است... وظیفه دلسوزان اقتصادی نیز این است که از فرصت های پیش آمده برای طرح موارد اقتصادی بهره بگیرند و با حصول اجماعی ملی در تحول ساختار اقتصادی ایران کمک کنند."

همچنین اتاق بازرگانی، به مثابه تشکل کلان سرمایه داران کشور، در آستانه انتخابات بسته یی پیشنهادی شامل ۸ "راهکار" را به دولت جدید ارایه داد، که در آن بر خصوصی سازی بیشتر، اصلاح قوانین از جمله قوانین مربوط به تامین اجتماعی و قانون کار، مقررات زدایی، و ادامه اجرای آزادسازی اقتصادی، تاکید شده است.

اکنون نیز تمامی امکان های اتاق بازرگانی و شعبه های استانی آن در خدمت برنامه ریزی نامزدهای نهایی انتخابات قرار گرفته است، و مسئولان این نهاد در گزینش وزیران آینده نیز سهم دارند، به خصوص در گزینش و ارایه پیشنهاد برای وزارتخانه های فعال در عرصه اقتصادی و بازرگانی و کار!

تلاش پُرتب و تاب نمایندگان کلان سرمایه داری، که بخش های انگلی و غیرمولد در آن تسلط کامل دارند، در حالی در جریان است که زحمتکشان میهن ما پیامدها و اثرهای بحران اقتصادی ناشی از اجرای سیاست های ضد مردمی همین سرمایه داران انگلی را بردوش می کشند، و در اداره معیشت شان با دشواری هایی جدی روبه رویند.

در عین حال، هر تشکل و سندیکالیستی بخواهد در زمینه مسایل های مرتبط با زندگی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا ابراز نظر کند و از در آن از منافع توده های محروم دفاع کند، مورد پیگرد، آزار، و شکنجه قرار می گیرد، و زندگی خود و خانواده اش متلاشی می شود. ده ها کارگر فعال در عرصه کوشش های سندیکایی گرفتار سیاه چال های رژیم، مثال روشنی از این نکته است.

رژیم ولایت فقیه حامی کلان سرمایه داران و دشمن حقوق و منافع همه زحمتکشان فکری و یدی کشور است. این رژیم استبدادی، با به کارگیری زور و سرکوب، زیر پوششی مذهبی به قصد عوام فریبی، پشتوان منافع نوکیسه های ممتول و غارتگران ثروت ملی است!

# تفاوت در اندیشه اتحاد در عمل مبارزه با دیتاتوری

بیانیه از سوی عارف برای اعلام انصراف از نامزدی انتخابات، در حالی که در مناظره تلویزیونی اعلام کرده بود که اهل از میدان خارج شدن نیست، و همچنین آشکار شدن فشار از سوی خاتمی، رفسنجانی، و دیگر سران اصلاح طلبان بر عارف برای کنار کشیدن از انتخابات، به خودی خود گویای این عرصه است. نکته توجه برانگیز اینجاست که، آقای خاتمی و سران اصلاح طلبان، ضمن قبول رای دادن به حسن روحانی بر این واقعیت نیز آگاه بودند که حسن روحانی خودش را جزو اصلاح طلبان نمی داند. آقای خاتمی در پرونده (فایل) ویدیویی ای که در صفحه فیس بوک ستاد خبری حسن روحانی منتشر شد، از جمله گفته بود: "با اینکه آقای روحانی خودش را متعلق به اردوی اصلاح طلبان نمی داند، اما دیدید چه خوب مسئله مطرح کرد و امید ایجاد کرد. آقای عارف هم سنگ تمام گذاشت. حتی در زبان و سخن دیگران نیز مواضع اصلاح طلبانه دیده می شد که مواضع مورد نظر مردم است."

این برگزاری "سالم انتخابات"، که رفسنجانی آن را "دموکراتیک ترین انتخابات دنیا" اعلام کرد - یعنی برگزاری انتخابات بدون دخالت های آشکار سپاه و نیروهای انتظامی - همچنین پایمال نشدن خشن رأی مردم، تنها در شرایطی امکان پذیر شد که سطح توقع های مردم، جنبش مردمی، و نیروهای اصلاح طلب به تن در دادن به یک نامزد "معتدل" مورد قبول ولی فقیه تنزل داده شد. در واقع باید گفت که ولی فقیه رژیم، با مهندسی انتخابات، توانست حداکثر استفاده را از اصلاح طلبان و رأی آنان بکند بی آنکه در برابر خواست آنان عقب نشینی ای جدی انجام دهد. ارزیابی خاتمی از وابستگی نداشتن روحانی به اصلاح طلبان درست است. حسن روحانی کسی است که به مدت ۱۶ سال نماینده علی خامنه ای و دبیر "شورای امنیت ملی" بوده است. و حتی پس از کودتای انتخاباتی خرداد ۸۸ نقش خود را به عنوان نماینده رهبر در این شورا حفظ کرده است.

رأی ۱۸ میلیونی مردم به حسن روحانی، که اصلاح طلبان از او اعلام حمایت کردند، در حقیقت نشانگر خواست مردم برای تغییر وضعیت کنونی، و در عین حال، خارج شدن از بن بستی است که، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی - اجتماعی جامعه ما را در بر گرفته است، و همچنین به دلیل ۸ سال سیاست های فاجعه بار دولت محمود احمدی نژاد و گزینش های کلان اعلام شده از سوی ولی فقیه رژیم است. فشار های کمرشکن اقتصادی، به خصوص تحریم های کشورهای غربی و تأثیرهای مخرب آن و دیگر سیاست های اقتصادی رژیم، از جمله سیاست "هدفمند کردن یارانه ها" آنچنان وضعیت دهشتناک و اسف باری را در میهن ما پدید آورده اند که مردم به هر روزنه ای برای رهایی از آن روی می آورند.

حسن روحانی، در پیامی که پس از پیروزی در انتخابات برای مردم ایران فرستاد، ضمن تشکر از "رهبر معظم انقلاب، مراجع عظام تقلید، روحانیت معزز و استادان فرهیخته کشور که با درایت و شجاعت روح امید را در مردم دمیدند..." قول داد که ایران را به سمت اعتدال، و بحران زدایی در عرصه بین المللی خواهد برد. به گفته او "بی گمان این حضور عزتمند در صحنه سیاسی، پیام آور آرامش و ثبات و امید در عرصه اقتصاد نیز خواهد بود و چشمه خروشان همت کارگران، کشاورزان و کارآفرینان، موج حرکت و برکت را در تولید و اشتغال به راه خواهد

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

به صورت همزمان، در تضاد و در وحدت نظام با یکدیگر حول ولی فقیه در برابر مشروعیت مردم عمل می کنند." (نامه مردم ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵، ۲۰۲۶، ۲۰۲۷، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۰، ۲۰۳۱، ۲۰۳۲، ۲۰۳۳، ۲۰۳۴، ۲۰۳۵، ۲۰۳۶، ۲۰۳۷، ۲۰۳۸، ۲۰۳۹

## ادامه بحران در صنایع خودرو سازی...

زحمتکشانشان است، اینک آشکار می‌شود.

خبرگزاری مهر، ۲۱ فروردین ماه، به نقل از غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت، در سخنانی که به مناقشه‌های اخیر بر سر تعیین قیمت‌های جدید خودروها مربوط می‌شد، گفت: "هم اکنون نزدیک به ۳۹ بنگاه خودروسازی بزرگ و ۱۲۰۰ قطعه ساز در کشور مشغول به فعالیت هستند. این دو بخش صنعت از یک میلیون و یک صد تا یک میلیون ۲۰۰ هزار نیروی کار را در خود جای داده که بخش خدمات فروش مستثنی از آن است." قبل از اینکه دولت آمریکا به‌طور رسمی تحریم صنایع خودروسازی را اعلام کند، بحث و جدل در باره تعیین قیمت‌های جدید خودرو در سطح مقام‌های مسئول در جریان بود و همین موضوع نشان می‌داد که بحران در صنایع خودروسازی از مدت‌ها قبل گریبان مقام‌های رسمی را فرا گرفته بوده است، و با در نظر گرفتن چنین وضعیتی باید احتمال داد که تحریم جدید دولت آمریکا اتفاقاً قرار است بر بستر وضعیت بحرانی موجود در صنعت خودروسازی به اجرا درآید. دنیای اقتصاد، ۷ اردیبهشت‌ماه، به نقل از غضنفری، وزیر صنعت و تجارت، همراه با هشدار به شورای رقابت که مرجع تصمیم‌گیر برای تعیین قیمت‌های خودرو است، نوشت: "اگر نمی‌خواهند با لشکر بیکاران مواجه شوند، نگرانی این وزارتخانه را از وضع موجود صنعت خودرو جدی بگیرند." دنیای اقتصاد در ادامه مطلب و با اشاره به شرایط بحرانی خودروسازان، می‌نویسد: "حال در شرایطی قرار داریم که شورای رقابت به توجه به اختیارات رئیس جمهور حرف اول را در تعیین قیمت‌ها می‌زند و امروز و فردا کردن این شورا در ابلاغ دستورالعمل قیمت‌گذاری، فعالیت زنجیره خودروسازی کشور را با اختلال مواجه کرده است. در این بین مسئولان وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت هم اکنون با خودروسازان و قطعه سازان کشور هم‌صدا شده و کاهش قیمت‌ها را عامل ورشکستگی صنعت خودرو کشور می‌خواند."

آیا بروز بحران در صنعت خودروسازی و ریشه‌های آن، به دلیل اعمال تحریم‌های اقتصادی بوده است و یا عامل‌های دیگر در آن دخیل بوده است؟ غضنفری در این ارتباط می‌گوید: "باید دید وضعیت نرخ ارز به چه میزان بر روی صنعت خودروسازی کشور تأثیر گزار بوده است. میزان فروش صنعت خودروسازی در سال ۹۰، ۲۵ هزار میلیارد تومان بود حال آنکه در سال ۹۰ برای فروش ۵،۵ میلیارد دلار جذب شد. با توجه به اینکه در سال ۹۰ از ارز ارزان استفاده شد، می‌توان گفت که در این سال شش هزار میلیارد تومان ارز ارزان توسط خودروسازان مورد استفاده قرار گرفت و به بیانی دیگر صنعت خودرو در سال ۹۰ با ارز ارزان فعال بود. ... بدهی خودروسازان پس از تغییرات نرخ ارز به قطعه‌سازان از دو تا سه ماه به هفت ماه رسید و تولید شروع به کاهش کرد، به نحوی که در مهر ماه سال گذشته کاهش ۴۰ درصدی تولید خودرو را شاهد بودیم و آنها نتوانستند میزان ارز مورد نیاز خود را در مقایسه با سال قبل از آن تأمین کنند." خبرگزاری مهر، ۲۱ فروردین ماه ۹۲.

سخنان غضنفری که خوبی نشان می‌دهد که صنعتی که قاعدتاً می‌بایست از مرکزهای کلیدی اقتصاد و دارای پتانسیل بالایی برای ارز آوری باشد که از فروش خودرو به دیگر کشورها حاصل می‌شود، بعد از چندین دهه فعالیت هنوز به دلزهای نفتی وابسته است. خبرگزاری تسنیم، ۱۰ فروردین ماه، سخنان جواد نجم‌الدین، مدیر عامل ایران خودرو، را انتشار داده که نظرهایی کاملاً متفاوت را بیان می‌کند. او می‌گوید: "سال گذشته صنعت خودروی کشور دچار مشکلات متعددی شد که بخشی از آن ناشی از تحریم‌ها بود اما این وضع باعث شد آب‌دیده شویم و بتوانیم خودکفتر به فعالیت خود ادامه دهیم." و در ادامه می‌گوید: "پس از بیست و سه سال شرکت پژوی فرانسه به علت تحریم‌ها ارتباط خود را با ایران خودرو قطع کرد ولی ما توانستیم بدون کمک این شرکت، به فعالیت خود ادامه دهیم و نخستین بار بدون کمک پژو، بیش از ۴۵۰ هزار دستگاه خودرو تولید شد."

دو مصاحبه بالا، در فاصله دو هفته انجام گرفته است. یک مقام مسئول از بحران و کاهش تولید خبر می‌دهد و دیگری ادعا می‌کند که توانسته‌اند "خودکفا" تر شوند. همین امر نشان می‌دهد که بحران

در صنایع خودروسازی که نتیجه سیاست‌های چپاولگرانه حاکم بر آن بوده است، مقام‌های مسئول را دچار تناقض‌گویی کرده است. در رابطه با سخنان نجم‌الدین، مدیر عامل ایران خودرو، گفته‌های حمید رضا طاهباز توکلی، دبیر انجمن مراکز تحقیق و توسعه صنعت، معدن و تجارت، جالب است. او می‌گوید: "در سی سال گذشته، صنعت کشور تنها ماشین‌های خریداری شده است و هیچ گاه به فکر واردات تکنولوژی نبوده است. این در حالی است که برخی از خودروسازی‌های کشور به معنای واقعی از تحقیق و توسعه بهره‌مند شدند و اگر سمند روند آغازین خود را ادامه می‌داد، هم اکنون ایران باید نسل سوم سمند را تولید می‌کرد" (خبرگزاری مهر، ۲۰ فروردین ماه).

به عبارت دیگر، گفته‌های بالا به خوبی نشان می‌دهند که صنایع خودروسازی به‌آسانی می‌توانست مرحله خودکفایی را طی کند، اما سیاست‌های حاکم بر این صنعت در جهت بوده است که منافع جریانی خاص را تأمین می‌کند و حاصل آن هم وضعیت کنونی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، ۲۱ فروردین ماه، امیر آبادی، نماینده قم در مجلس، نیز در این ارتباط گفت: "مهاجرت بسیاری از طراحان و مهندسان داخلی به شرکت‌ها و کارخانجات خودروسازی خارجی ناشی از بی‌کفایتی خودروسازان داخلی می‌باشد." بنابراین آن چیزی که هم اکنون نمی‌توان کتمان کرد وضعیت خودروسازی بر بستر سیاست‌های ضد ملی است که به لبه پرتگاه رسیده است، در حالی که این صنعت در طول تمامی این سال‌ها محلی امن برای چپاول‌های نجومی بوده است. امیر آبادی در همین ارتباط این موضوع را افشا می‌کند که: "شرکت‌های خودروسازی در ایام نوسانات قیمت خودرو با فروش ۶۰۰ هزار خودرو حدود ۳ هزار میلیارد تومان به جیب زدند و این پول به جیب دلان رفت." پور مختار، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس، در مناظره با نجفی منش، عضو هیات مدیره انجمن قطعه‌سازان، نیز می‌گوید: "جای قانون و منطق اعلام شده است که خودروسازان از سود حاصل از فروش خودرو برونه، بانک بخرند یا ساختمان سازی بکنند؟ این موضوع در تحقیقات مجلس مشخص شده است که خودروسازان اقدام به خرید بانک‌های خصوصی کرده‌اند" (خبرآنلاین، ۶ اردیبهشت‌ماه). روزنامه خراسان، ۲۶ فروردین ماه، به وضعیت ارزی خودروسازی پرداخته و می‌نویسد: "گفته می‌شود پس از تحقیقات انجام شده توسط یکی از نهادهای مسئول، مشخص شده وضعیت ذخایر ارزی شرکت‌های بزرگ خودروسازی کشور طی ماه‌های اخیر مناسب بوده و درآمد آنها از راه صادرات قطعه و خودرو به کشورهای منطقه و نیز تدابیر انجام شده توسط آنها باعث شده حجم مناسبی از ارز در اختیارشان باشد. این نهاد مسئول در عین حال از بزرگنمایی برخی مشکلات به خاطر نوسانات ارزی توسط این خودروسازان گلابه کرده و آن را عوامل موثر در گرانی خودرو در بازار کشور دانسته است." اما جالب تر از همه گزارش ایسنا، ۱۲ خردادماه، است که از قول طاهر شیرینی، دبیر سندیقای تولید کنندگان کاغذ و مقوا، می‌نویسد: "بر اساس اطلاعات منتشر شده در سال گذشته و سال‌های قبل تر یکی از خودروسازان، شهرداری، یکی از شرکت‌های لوازم خانگی و برخی از شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی به بهانه‌های مختلف اقدام به واردات کاغذ کردند."

خودروسازان نه تنها طی همه این سال‌ها کوششی برای خودکفا شدن این صنعت انجام نداده‌اند، بلکه برای بالا بردن سودهای حاصل از چپاول دست به اقدام‌هایی زده‌اند که هیچ ارتباطی با صنعت خودروسازی نداشته است. بر اساس کدام معیار اقتصادی خودروسازان باید کاغذ وارد بکنند؟

روزنامه بهار، ۱۵ اردیبهشت‌ماه، در مقاله‌ای با عنوان: "پایکوبی قطعات چینی در خطوط تولید ایرانی"، در ارتباط با این موضوع می‌نویسد: "دو سال پیش بود، در نمایشگاه قطعات و مجموعه‌های خودرو، قطعاتی به نمایش درآمد که ساخت داخل نبودند اما روی بسته بندی آنها تولید ایران درج شده بود. ... حدود دو سال از آن روزها گذشته است و اکنون تب و تاب گرانی خودروها، پای استفاده از قطعات چینی در خطوط تولید خودروسازان را به میان کشیده است، قطعاتی وارداتی که با گرانی ارز، صرفه خود را از دست داده اند و هزینه‌های تولید را به شدت بالا کشیده‌اند." بهار در ادامه به نقل از شریف حسینی، عضو هیئت رئیسه مجلس، در همین ارتباط می‌گوید: "در تحقیق و تفحص از خودروسازان باید سراغ مقصران و اشخاصی که سودهای کلان به جیب زده‌اند و به عنوان تولید کننده با خودروسازان قرارداد منعقد کرده‌اند، برویم." او در ادامه اضافه می‌کند: "زمانی که قیمت ارز ۱۲۲۶ تومان بود، برای خودرو سازان وارد کردن قطعات از چین و استفاده از قطعاتی که در قبال قیمت پایین، کیفیت چندانی نداشتند، به صرفه تر بود و همین امر باعث شد به جای سفارش قطعات به خودروسازان ایرانی، قطعات چینی وارد خطوط تولید شد."

مافیای خودروسازان با بندوبست‌های مرسوم، جریانی که قاعدتاً باید وابسته به





به طور کامل  
ضعیف کرده‌اند.  
وضعیت در  
کشورهای جهان  
سوم و  
کشورهای  
در حال توسعه  
حتی از این هم  
بدتر است. به  
دلیل عملکرد  
حکومت های  
دیکتاتوری- که  
در طول چند

دهه به‌طور عمده از سوی دولت‌های امپریالیستی ترویج و محافظت شده‌اند- توانایی مردم در به چالش کشاندن ماهیت ناعادلانه نظام اقتصادی و رویکرد آن به سیستم‌های وحشیانه سیاسی و اجتماعی، به شدت محدود شده است. نماینده حزب در بخشی دیگر از تحلیلش، شرایط حاکم بر ایران در زیر سیطره رژیم ولایت فقیه را بررسی کرد، و یادآور شد: رژیم که از خشم عمیق و گسترده مردم آگاه است، با توسل به ابزار سرکوب، سعی در طولانی‌تر کردن عمر حاکمیت خود دارد. چهار سال پس از کودتای انتخاباتی [سال ۱۳۸۸]، که در آن رژیم آشکارا به جعل نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دست زد، ما به زمان برگزاری انتخابات دیگری نزدیک می‌شویم. رژیم در حال حاضر تمامی نامزدهایی را که زیر کنترل آن نیستند و یا از سیاست‌های کلیدی‌اش حمایت نمی‌کنند، رد صلاحیت کرده است. حزب توده ایران در ابتدای این ماه [خردادماه] اعلام کرد که، در این شرایط [مهندسی انتخابات]، اعتراض گسترده مردم به سیستم حکومتی موجود و سیاست‌های غیرمنطقی و ویرانگر رژیم تئوکراتیک و طرفداران آن، تنها موضع توجیه‌پذیر خواهد بود.

هنوز سه دهه پس از شکست انقلاب ۱۳۵۷ [۱۹۷۹ میلادی] ایران، که شعارهای آن خواست‌های مردم در زمینه حقوق بشر، حقوق دموکراتیک، و عدالت اجتماعی بود، ایران از سوی دیکتاتوری فاسد اداره می‌شود. ساختار قدرت در کشور به دیکتاتوری‌ای نظامی و تئوکراتیک وحشیانه تغییر ماهیت داده است. این رژیم تئوکراتیک، در ارائه هر گونه راه حل مناسب و درخور برای حل مشکل‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی کشور ناتوانی‌اش را به اثبات رسانده است. سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی رژیم در مسیر اجرای نسخه‌های پیچیده شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. حذف یارانه‌ها از کالاهای اساسی و خدمات از جمله حامل‌های انرژی، مردم عادی و به‌ویژه آنانی را که در شهرها زندگی می‌کنند با مشکل‌های شدید اقتصادی درگیر و به کلنجار رفتن با آن‌ها محکوم کرده است. خصوصی سازی به‌طور پیوسته به همه عرصه‌های اقتصاد گسترش یافته است، و در حال حاضر حتی بخش‌هایی از صنعت نفت نیز به بخش خصوصی واگذار شده‌اند. نتیجه‌های برآمده از این سیاست‌های اقتصادی رژیم فاجعه‌بار بوده‌اند.

برنامه حزب توده ایران، که در بهمن ماه ۱۳۹۱، در کنگره ششم حزب به تصویب رسید، تنها جایگزین مناسب برای مردم در شرایط فعلی را به وضوح مشخص می‌کند. ما اهمیت مبارزه با دیکتاتوری مذهبی رژیم حاکم در کشور را در قلب مبارزه برضد امپریالیسم و خطر جنگ، و حرکت به سوی جایگزینی مترقی، قرار داده‌ایم. ما مرحله دموکراتیک ملی را در حکم پیش‌شرطی حیاتی به‌منظور پیشبرد مبارزه‌مان در مسیر به‌وجود آوردن تغییر به سود مردم، تعریف کرده‌ایم. این مرحله برای حفظ صلح و گذار به سوی سوسیالیسم، فرصت و شرط‌های لازم را می‌تواند فراهم کند. ما بر این باوریم که، در این فرایند، مبارزه در راه عدالت اجتماعی و دموکراسی پیشرفته در هر مرحله گذار آن، بر جایگزین (آلترناتیو) آینده برای طبقه کارگر ایران تأثیری زرف خواهد داشت و به آن شکل خواهد داد... تاریخ به خون آلوده توده‌ها نشان می‌دهد هنگامی که صدای اعتراض و قدرت همبستگی بین‌المللی با مبارزه مردم و نیروهای انقلابی هر خلقی درآمیزد، درهای زندان‌ها را می‌گشاید، پرچم صلح را برافراشته تر می‌سازد، مارش مبارزه‌جویانه زحمتکشان قدرتمندتر طنین می‌افکند، تیغ‌های خون ریز جلادان کند می‌شوند، و مبارزه آنانی که در راه آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی تلاش می‌ورزند به‌کام‌تر می‌گردد!

سخنرانی نماینده حزب ما با استقبال نمایندگان شرکت کننده در اجلاس روبه‌رو شد. یکی دیگر از ویژگی‌های اجلاس امسال، حضور نماینده‌هایی از حزب‌های کمونیست کشورهایمانند: کوبا، ویتنام، و کشورهای بود که

## شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در بیست و دومین سمینار بین‌المللی کمونیستی بلژیک

بیست و دومین سمینار بین‌المللی کمونیستی، به‌میزبانی حزب کارگر بلژیک، در روزهای ۱۰ تا ۱۲ خرداد ماه (۳۱ مه تا ۲ ژوئن ۲۰۱۳)، در شهرک "اور" واقع در درومه بروکسل - برگزار شد. در این اجلاس بین‌المللی که هرساله برگزار می‌شود، نمایندگان حزب‌های کمونیستی و سازمان‌های کارگری از ۵۲ کشور شرکت داشتند، و ۲۰ حزب و سازمان کارگری دیگر که نتوانسته بودند در سمینار حضور یابند، با فرستادن پیام، حمایت از برگزاری این سمینار و همبستگی‌شان با آن را اعلام کردند.

با توجه به سیاست‌های جنگ طلبانه، مداخله گرانه، و ضد دموکراتیکی که هم اکنون در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی در پهنه جهان از سوی امپریالیسم جهانی به‌کار گرفته می‌شوند، و همچنین وجود بحران گسترده و همه جانبه‌ای که سرمایه‌داری جهانی با آن روبه‌رو است، موضوع گفت‌وگوهای این سمینار "بحران جهانی کاپیتالیسم و هجومش به حقوق دموکراتیک و آزادی‌های اجتماعی، و استراتژی و چگونگی واکنش در رویارویی با آن" بود. هیئت نمایندگی حزب توده ایران، با دعوت رسمی رهبری حزب کارگر بلژیک در این اجلاس پراهمیت شرکت کرد. رهبر حزب کارگر بلژیک، پس از خوش آمد گفتن به نمایندگان شرکت کننده در سمینار، سیاست‌های ویرانگر و مداخله‌جویانه امپریالیسم جهانی در خاورمیانه و کشورهای افریقایی را تجزیه و تحلیل کرد، و سپس به تشریح یورش "اتحادیه اروپا" به دستاوردهایی که مردم این کشورها در طول دهه‌ها سال مبارزه اجتماعی به‌دست آورده‌اند پرداخت، و افزود: "حقوق اقتصادی و آزادی‌های اجتماعی‌ای که مردم این کشورها [کشورهای اروپایی] در نتیجه مبارزه‌های بی‌شمار خود به‌دست آورده‌اند، مانند: حقوق امنیت اجتماعی که از آن جمله‌اند: مستمری دوره بیکاری، حق بازنشستگی، دسترسی همگانی به بهداشت و جز این‌ها، در حال پامال شدن است، و قوانین و شرایط کاری هرچه بیشتر سخت می‌شوند، کارگاه‌های تولیدی بسته می‌شوند و کارگران بیشتری از کارگاه‌های تولیدی به‌شکل گروهی اخراج می‌گردند، حق اعتصاب و اعتراض به شرایط کاری محدودتر می‌شود، و دولت‌های سرمایه‌داری اروپا مشغول به گذراندن قوانینی‌اند که به موجب آن‌ها، کارگران اعتصابی باید جریمه‌هایی سنگین بپردازند."

پس از پایان سخنرانی رهبر حزب کارگر بلژیک، کار رسمی اجلاس آغاز شد، و در طول ۳ روز، در زمان بندی‌ای مشخص، نمایندگان شرکت کننده در اجلاس، نظرها و دیدگاه‌های حزب‌ها و سازمان‌هایشان درباره وضعیت کنونی مبارزات مردم کشورشان را مطرح کردند.

با نظر داشت شرایط حساسی که هم اکنون در منطقه خاورمیانه حکمفرماست، و نیز به‌سبب بالا گرفتن شعله‌های آتش جنگ و ویرانی در منطقه، دیدگاه‌های حزب توده ایران می‌توانست از اهمیت ویژه‌ای در این زمینه برخوردار باشد، بنابراین سخنرانی نماینده حزب ما جزو نخستین سخنرانی‌های این اجلاس مهم بین‌المللی بود. نماینده حزب توده ایران در ابتدای سخنان خود از دعوت حزب کارگر بلژیک برای شرکت حزب ما در این سمینار بین‌المللی تشکر کرد، و آن‌گاه در بررسی شرایط پیچیده مبارزه زحمتکشان و دیگر قشرهای مردم‌مان، که در معرض هجوم همه‌سویه نهادهای سرمایه‌داری به‌منظور انتقال بار بحران به دوش آنان قرار دارند، تحلیل جامعی ارائه کرد. نماینده حزب‌مان از تلاش‌های محفل‌های ارتجاعی به گسترش نظامی‌گری، هجوم به آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک، و سعی در بازپس‌گیری دستاوردهای مبارزه‌های یک قرن اخیر جنبش کارگری در سراسر جهان سخن راند، و از جمله گفت: سرمایه‌داری از کنترل انحصاری خود بر رسانه‌ها برای گمراه کردن کارگران و زحمتکشان درباره علت‌های به وجود آمدن بحران سیستماتیک، و توجیه کاهش خدمات عمومی ضروری و دست زدن به خصوصی سازی در مقیاس انبوه، از نظامی‌گری و راه انداختن جنگ بهره می‌گیرد. در طول ۱۰ سال گذشته، آزادی بیان، حق سازمان‌یابی در اتحادیه‌های کارگری مستقل، امکان انتشار روزنامه‌های مستقل و یا تأسیس ایستگاه‌های رادیویی - تلویزیونی مترقی، به‌شدت محدود شده‌اند. این قانون‌های مستبدانه و محدودکننده، و به اجرا گذاشتن آن‌ها از طریق دادگاه‌ها و با بازوی بسیج، نیروهای انتظامی، و سرویس‌های امنیتی، دموکراسی را



## ادامه شرکت هیئت نمایندگی حزب ...

کمونیست‌ها قدرت دولتی در آن‌ها را در دست دارند.

موضوع سمینار، یعنی: "بحران جهانی کاپیتالیسم و هجومش به حقوق دموکراتیک و آزادی‌های اجتماعی، و استراتژی و چگونگی واکنش در رویارویی با آن"، به نمایندگان حزب‌های شرکت کننده در اجلاس کمک می‌کرد تا با در نظر گرفتن شرایط و نوع حکومت، برنامه‌ها و تجربه‌های حزب‌شان را ارائه دهند، با عده‌یی از نمایندگان حزب‌های کمونیست گفت‌وگوهای دو جانبه و چند جانبه داشت. در طول زمان این اجلاس، هیئت نمایندگی حزب توده ایران با نمایندگان دیگر حزب‌ها و سازمان‌ها- به‌ویژه سازمان‌ها و حزب‌های منطقه مانند: ترکیه، لبنان، فلسطین، قبرس، تونس، و الجزایر- گفت‌وگوهایی دوجانبه و چندجانبه داشت، و پیرامون روند تحول‌های سریع، بخرنج، و از جهت‌هایی متناقض، که هم اکنون در کشورهای این منطقه در جریان است، به رایزنی پرداختند. موضوع‌هایی همچون: جنبش‌های موسوم به "بهار عربی" در برخی کشورهای شمال آفریقا، ضرورت همبستگی با خلق‌های مبارز و خواست‌های برحق‌شان، مبارزه‌شان با مداخله‌های مستقیم امپریالیسم و متحدان ناتوی‌اش مانند دولت ترکیه و همچنین نقش پررنگ، مستقیم و شدیداً ارتجاعی کشورهایمانند عربستان سعودی و قطر، در گفت‌وگو با رفقای نماینده حزب‌های کمونیست منطقه مطرح شد. این گفت‌وگوها به پیشنهاد نوشتن قطعنامه‌یی با عنوان: "قطعنامه درباره سوریه" انجامید، که از آن استقبال شد و همه نمایندگان با آن موافقت کردند. در بخشی از این قطعنامه چنین آمده است: "ما تصریح می‌کنیم که، فعالیت‌های ماجراجویانه امپریالیسم به منظور تحکیم هژمونی خود بر خاورمیانه، علت اصلی مناقشه و جنگ در این منطقه است. ما از حق مسلم مردم سوریه برای تعیین سرنوشتش پشتیبانی می‌کنیم، مردمی که از هجوم ویرانگر و حمله‌های تروریسم برخوردار از پشتیبانی امپریالیسم در رنج‌اند." رفیق الجزایری معتقد بود که، یورش امپریالیسم به سوریه می‌تواند راه را برای دست‌اندازی امپریالیسم به سرتاسر منطقه و از جمله الجزایر باز کند.

سخنرانی نمایند حزب کمونیست کوبا بسیار توجه‌برانگیز بود. صادر کردن "قطعنامه پشتیبانی از کوبا" را همه نمایندگان شرکت کننده تصویب کردند. سخنان پرشور و استوار نماینده حزب کمونیست ونزوئلا نیز با استقبال روبه رو شد. او سیاست‌های دولت ونزوئلا در راه برپائی دموکراسی مردمی و اتحاد مردمی آمریکای لاتین همراه با شعارهای دموکراسی، استقلال ملی، و ایجاد تغییرهای اجتماعی، را تشریح کرد.

رفیق نماینده حزب کمونیست برزیل در گفت‌وگوهای دوجانبه و همچنین در سخنرانی‌اش، از همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهان استقبال کرد: "امروز همکاری کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین، و آفریقای جنوبی [کشورهایی که "بریکس" نامیده می‌شوند]، بیش از نیمی از حجم مبادله‌های [اقتصادی] جهان را دربر می‌گیرد. همکاری‌هایی منطقه‌ای همچون همکاری ۳۳ کشور آمریکای لاتین و کارائیب (سی ای ال ای سی) (و در آسیا نیز، و توسعه نسبی اقتصادی این همکاری‌ها در برابر رکود کشورهای ثروتمند، چشمگیر است." او تأکید کرد که، حزب کمونیست برزیل یورش نیروهای امپریالیستی در سراسر جهان را تهدیدی برای کشورها و ملت‌ها ارزیابی می‌کند و بر این باور است که هدف اصلی این یورش‌ها ادامه روند تغییر دادن جغرافیای سیاسی-اقتصادی خاورمیانه زیر پوشش شعار "طرح خاورمیانه نوین"، و در کنترل گرفتن ثروت‌های این منطقه استراتژیک [به لحاظ انرژی]، با هدف تسلط پیدا کردن بر جهان است.

نماینده حزب کمونیست ویتنام درباره اتحاد کمونیست‌ها، پیروزی انقلاب، و کوشش برای بهبود زندگی کارگران در کشورش سخن گفت. او در پاسخ به سئوالی در سمینار در رابطه با اینکه آیا حزب کمونیست و دولت ویتنام تعهد می‌کنند که بورژوازی به ویتنام باز نگردد؟ گفت: در جواب به سؤال شما می‌توانم از "هوشی مین" کمک بگیرم که می‌گفت: "اتحاد، اتحاد، اتحاد بزرگ، پیروزی، پیروزی، پیروزی بزرگ". او در ادامه سخنانش این سوال را مطرح کرد: "بدون اتحاد کمونیست‌ها و جبهه وسیعی از توده‌ها، چگونه می‌توان با امپریالیسم مبارزه کرد؟" او همچنین پیشنهاد کرد که در کنار موضوع انتخاباتی سال آینده، در صورت داشتن چنین تجربه‌هایی، آن‌ها نیز برای آگاهی رفقا مطرح شوند.

در آخرین روز اجلاس، متن پایانی سمینار از سوی هیئت رئیسه اجلاس به سمینار پیشنهاد شد، که پس از بحث و گفت‌وگوی نمایندگان و پس از اصلاح مفاد آن، با اکثریت آرا تصویب شد. همچنین، شرکت کنندگان در سمینار قطعنامه‌هایی در همبستگی با مردم کوبا، در مخالفت با مداخله امپریالیسم و برخی کشورها در سوریه، در همبستگی با روند تحول‌های دموکراتیک در بخشی از کشورهای آمریکای لاتین، و نیز در مخالفت با تهاجم کشورهای اروپایی به حقوق دموکراتیک جامعه‌های شان، صادر کردند.

بیست و دومین "سمینار بین‌المللی کمونیستی"، پس از بحث و رایزنی در رابطه با تعیین موضوع مورد بحث سمینار در سال آینده، به کار خود در محیطی آکنده از دوستی و رفاقت پایان داد.

## ادامه زحمتکشان، مبارزه برای امنیت شغلی...

با نگاهی به سیاست‌ها و هدف‌های رژیم ولایت فقیه، مضمون و مسیر اجرای این سیاست‌ها را در جنبش کارگری-سندیکایی به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد. افشای این توطئه‌ها، تأکید بر استقلال عمل و هویت طبقاتی تشکل‌ها و سندیکاهای کارگری در مبارزه برای امنیت شغلی و حق برپایی سندیکاها، اولویتی انکارناپذیر است.

## وضعیت ناگوار کارگران صنف‌ها

وضعیت معیشتی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، در طول چندسال گذشته، به‌شدت رو به وخامت گذارده است. کارگران صنف‌ها، در مقام بخشی از طبقه کارگر ایران که کمیت چشمگیر و بزرگی را تشکیل می‌دهند، وضعیتی فوق‌العاده دشوار و ناگوار را از سر می‌گذرانند.

نبود امنیت شغلی، بیکاری گسترده، قراردادهای سپیدامضا، برخوردار نبودن از حق تشکیل سندیکا، و دستمزدهای پایین و حتی پایین‌تر از مصوبه‌های "شورای عالی کار"، میلیون‌ها کارگر شاغل در صنف‌های گوناگون در سراسر کشور را به ورطه فقر و تیره روزی کشانده است.

از زمان خروج کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، عرصه کار و زندگی برای کارگران صنف‌ها پیوسته تنگ تر شده است. خبرگزاری کار ایران - ایلنا - در اواخر اردیبهشت‌ماه، با اشاره به وضعیت ناهنجار حاکم بر کارگاه‌های کوچک و نبود بازرسی در آن‌ها، با انتشار گزارشی از جمله یادآوری کرد: "به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی حداقلی مزدی که توسط شورای عالی کار برای تمامی واحدهای تولیدی در سراسر ایران تعیین شده‌است، به‌ویژه در کارگاه‌های کوچک... اجرا نمی‌شود. به‌دلیل نبود نظارت و عدم فعالیت صنفی در این کارگاه‌ها [ممنوع بودن تشکیل سندیکا] شرایط کار از جمله دستمزد کارگران تمام‌وقت بر مبنای توافق شفاهی پرداخت می‌شود." در ادامه این گزارش آمده است: "در شرایطی که کارگران معتقدند حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار کفاف معیشت‌شان را نمی‌دهد، دستمزد کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک صنفی حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان کمتر از حداقل دستمزد [است]... نبود نظارت‌های قانونی کافی در تشدید این وضعیت موثر است. هرچند بنابر قوانین کنونی کارگران می‌توانند برای دریافت حقوق خود اقامه دعوی کنند اما می‌دانند که پس از شکایت و وصول مطالبات خود بدون شک از کار اخراج خواهند شد... از آنجاکه کارفرمایان شرایط کار را تحمیل کرده‌اند، کارگران از ترس اخراج شدن ترجیح می‌دهند تا در زمان مراجعه بازرسی به دستور کارفرما پنهان شده و یا با معرفی خود به عنوان مراجعه‌کننده هویت خود را مخفی کنند."

این اوضاع نتیجه مستقیم سیاست‌های ضدکارگری دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی در طول بیش از دو دهه اخیر است. درحقیقت، چنین شرایطی حاصل اجرای برنامه‌هایی مانند تعدیل اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها، و یا به‌عبارت دقیق‌تر، برنامه آزادسازی اقتصادی برپایه نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. دولت ضد ملی احمدی‌نژاد با "قانونیت" بخشیدن به طرح منسوخ استاد-شاگردی، وضعیت کارگران، به‌خصوص کارگران صنف‌ها را بیش از پیش وخیم ساخت. بی‌تردید طرح‌هایی مانند اصلاح قانون کار و اصلاح قانون تأمین اجتماعی، به بحرانی‌تر شدن شرایط زندگی و کار میلیون‌ها تن از زحمتکشان منجر خواهد شد. مبارزه با سیاست‌های ضدکارگری در قالب احیای حقوق سندیکایی، اتحاد عمل صف‌های جنبش سندیکایی موجود و محکم کردن رابطه با مبارزه گردان‌های اجتماعی جنبش مردمی، اولویتی انکارنشده‌ای در مقطع زمانی کنونی به‌شمار می‌آید!

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

انداخت...

بدیهی است که میهن ما نیازمند تغییرهای مهم سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی است. تجربه دو دهه گذشته، از دولت و مجلس اصلاحات گرفته تا دولت و مجلس برگمردگان ولی فقیه، بر این حقیقت انکار ناپذیر تأکید می کند که تنها با حضور نیرومند مردم و نیروهای اجتماعی در صحنه مبارزه است که می توان به دست یافتن به خواست های جنبش مردمی امیدوار بود. آنچه مسلم است این است که، ولی فقیه و سران رژیم خواهان ادامه سیاست های کلان تعیین شده شان، بهبود روابط با کشورهای غربی، به منظور پایان دادن به تحریم های اقتصادی و کاهش فشارهای بین المللی، و در نتیجه تأمین بقای حیات "نظام سیاسی" کنونی اند. ولی فقیه رژیم و سران ارتجاعی نه تنها کوچکترین تمایلی به تحقق "مردم سالاری دینی" ندارند، بلکه همانطور که تجربه هشت سال دولت اصلاحات نشان داد، آماده اند همه امکان های شان را به کار گیرند تا با کار شکنی و بحران سازی اجازه ندهند تا گامی در مسیر دست یابی به خواست های جنبش مردمی برداشته شود. امروز نیز، با انتخاب شدن حسن روحانی، بدون حضور نیروها و جنبش مردمی در صحنه، بدون حرکت آگاهانه اجتماعی، بدون وادار کردن دولتمردان به قبول خواست های توده های میلیونی محرومان و زحمتکشانی که سال هاست زیر خط فقر زندگی می کنند، سرنوشت این شعارها همانند شعارهای دیگری خواهد بود که مردم ما در سی سال گذشته از زبان رهبران حال و گذشته رژیم شنیده اند و بازهم خواهند شنید.

باید در پی انتخابات مهندسی شده بی که رژیم آن را با موفقیت برگزار کرد، از توان و نیروی مردمی ای که به صحنه آمده اند برای سازمان دهی حرکت اجتماعی و مطرح کردن خواست هایی مشخص حمایت کرد که از آن جمله اند: آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی، پایان دادن به حصر موسوی، کروبی و زهرا رهنورد، پایان دادن به سرکوب سندیکاها و تشکل های کارگری، حرکت به سمت سیاست های اقتصادی ای که تولید در کشور را حمایت کند، و امکان های اشتغال زایی و تخفیف محرومیت های کنونی را فراهم آورد. باید آنچنان نیرو و حرکت اجتماعی ای را پدید آورد که بتوان خواست های احمدی نژاد نیز با شعار گذاشتن پول نفت بر سر سفره مردم و عدالت به صحنه آمد و امروز پس از گذشت هشت سال وضعیت دردناک و فاجعه بار جامعه ما شاهد انکار ناپذیر نتیجه اعمال مجموعه سیاست های مخربی است که تنها هدفش تأمین منافع کلان سرمایه داران، از جمله سران رژیم، و فرماندهان سپاه و نیروهای انتظامی بوده است.

حرکت میهن ما به جلو، و نجات از وضعیت دهشتناک کنونی، تنها با حرکت متحد و سازمان یافته همه نیروهای اجتماعی و اصلاح طلب پیرامون خواست های مشخص همراه با کنش اجتماعی مشخص، امکان پذیر است. باید در راه به عمل درآوردن این امر همه تلاش ها را به کار گرفت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۲

## در جریان گفتگوهای صلح در کوبا به دست آمد: نخستین توافق میان مبارزان "فارک" و دولت کلمبیا

توافق میان مبارزان "فارک" و دولت کلمبیا بر سر مسئله زمین های کشاورزی روستایی، دستاورد مهم و امیدبخشی در مسیر حل دیرینه ترین درگیری مسلحانه در آمریکای لاتین است.

برای نخستین بار، پس از نزدیک به نیم قرن درگیری مسلحانه، اینک توافقی میان مبارزان "فارک" و دولت کلمبیا به دست آمده است. در جریان گفتگوهای صلح، که در هاوانا، پایتخت کوبا، ماهها در جریان است، روز ۶ خرداد ماه (۲۶ ماه مه) مبارزان "فارک" ["FARC" = "نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا"] و دولت کلمبیا سرانجام بر سر یکی از مورد های مذاکره، یعنی مسئله ارضی و دهقانی، به توافق پراهمیتی دست یافتند که گام بلندی در برقراری صلح محسوب می شود. دو طرف مذاکره خاطر نشان کردند که، توافق صورت گرفته، زمینه های توسعه اقتصادی و اجتماعی و تقسیم مجدد زمین بین دهقانان، و به ویژه تهی دست ترین آنان در منطقه های روستایی عقب مانده را فراهم می کند. مسئله ارضی، یکی از شش مورد اصلی در دستور کار گفتگوهای صلح بین هیئت های نمایندگی "فارک" و دولت بوگوتا است که زیر عنوان: "توافق کلی به منظور پایان دادن به مناقشه و برقراری صلحی پایدار و ماندگار"، در جریان است. روزنامه های کلمبیا این نخستین توافق را "تاریخی" خواندند. در کلمبیا، نود درصد زمین های کشاورزی و روستایی در مالکیت کمتر از هشت درصد جمعیت، یعنی مالکان روستایی، است. به همین دلیل، از ۵۰ سال پیش، مسئله زمین و اصلاحات ارضی همواره یکی از خواست های اساسی "فارک" بوده است. عنوان سند امضا شده میان دو طرف مذاکره، "به سوی کلمبیایی نوین در امر زمین های روستایی: اصلاحاتی اساسی" است. در این سند آمده است: "بنابراین ما معتقدیم که این توافق سرآغاز دگرگونی ای اساسی در واقعیت زندگی کشاورزی و دهقانی در کلمبیا است." این توافق حاصل نشست ها و گفتگوهای متعددی است که از اواخر آبان ماه سال گذشته در هاوانا آغاز شد. توافق اخیر بر سر زمین های کشاورزی و بهره برداری از آن ها، همچنین مسئله زمین های بایر و رسیدگی به مسئله مالکیت زمین، مرزبندی زمین های کشاورزی، و حمایت و حراست از منطقه های آزاد (خودمختار) برای دهقانان را دربر می گیرد.

### جبران خسارت قربانیان

فرناندز دوکاسیو، دیپلمات کوبایی، که کشورش به اتفاق نروژ این گفتگوها را تدارک دیده اند، اعلام کرد: "هدف از این توافقنامه، چاره جویی و جبران خسارت های ناشی از پیامدهای درگیری ها و نیز تصرف غاصبانه زمین ها در ادامه کوچ اجباری روستاییان است. بنابراین، این گفتگوها و توافق ها زمینه یی است برای برقراری صلح و نیز تعیین سرنوشت قضایی و حقوقی زمین های روستایی. امید و هدف آن است که در پایان این گفتگوها حفاظت از حقوق مالکیت و دادن امکان به تولید کشاورزی از طریق فعال کردن اقتصاد مشارکتی کشاورزی و تعاونی ها، همراه با دادن اعتبارهای مالی و پولی برای مبادله های بازرگانی و برنامه ریزی های غذایی، معین و روشن شود. بر اساس اطلاعیه یی که در این زمینه منتشر شد، طرف های این گفتگوها، پیرامون برنامه های توسعه اجتماعی در امر بهداشت و درمان، آموزش، و مبارزه با فقر نیز موافقت هایی کردند. سخنگویان دو کشور کوبا و نروژ، و نیز رئیس هیئت نمایندگی دولت کلمبیا، تصدیق کردند که "با وجود توافقی که تا کنون به دست آمده است، باید گفت که فرض و اساس کار بر این است که تا زمانی که در همه موردها موافقت به دست نیامده است، هنوز نمی شود گفت که نتیجه قطعی گرفته شده است." به عبارت دیگر، گردن گذاشتن به توافقی های جداگانه، به قطعیت یافتن موافقتی نهایی برای پایان دادن به درگیری ها و بنیان گذاشتن صلحی پایدار و ماندگار وابسته است. ایوان مارکز، رئیس هیئت نمایندگی "فارک"، اعلام کرد که، برای او هنوز جزئیاتی نامشخص باقی مانده اند. ولی خواست های اساسی چریک ها، مثل مرزبندی زمین ها برای دهقانان خودمختار، یا تقسیم زمین های بهره برداری نشده، در توافقی ها منظور شده است. او می گوید: "ما اکنون در تدارک تهیه متن توافق نامه یی با رعایت دقیق مورد های هستیم که لازم است پیش از تصویب موافقت نامه نهایی مورد بررسی مجدد قرار گیرند. دولت کلمبیا و "فارک" برای بحث درباره دومین بخش دستور کار گفتگوهای صلح، مجدداً در اواخر خرداد ماه نشست هایی خواهند داشت. در این نشست ها از جمله درباره مشارکت پارتیزان ها در زندگی سیاسی کشور و تضمین های قضایی برای فعالیت آنان گفتگو خواهد شد. حکومت کلمبیا از ایده "عدالت دوران گذار" (از مناقشه به صلح) دفاع می کند که در بر گیرنده مجازات هایی غیر از محرومیت از آزادی است. مسئله به هیچ وجه مصونیت از مجازات نیست، بلکه آنچه مورد نظر است، تعیین جرم و پرداخت غرامت به قربانی است. در مجموع، دو طرف از پیشرفت گفتگوها ناراضی نیستند. به گفته رئیس هیئت مذاکره کننده دولت کلمبیا: "ما اکنون برای دستیابی به صلح از راه گفتگو، فرصت خوبی داریم."

## ادامه بحران در صنایع خودرو سازی...

خودشان باشد را در حکم قطعه‌ساز معرفی کردند و از طریق آن قطعات چینی بی کیفیت را روی خودروها نصب کردند و به این ترتیب هم ایمنی مردم را به خطر انداخته‌اند و هم بر سودهای نجومی شان افزوده‌اند.

سایت فرارو، در مطلبی با عنوان: "تکرار سونامی افزایش قیمت خودرو"، به ارتباط دولت و خودرو سازان پرداخته است و می نویسد: "چتر حمایتی دولت بر سر خودروسازان انقدر وسیع است که در این سال‌ها خودروسازان در مقابل تمامی این حمایت‌ها نه تنها به کیفیت محصولات خود توجهی نشان نداده‌اند، بلکه علیرغم شعار تولید ملی با افزایش قیمت ارز معلوم شده است که برخی از این خودروهای به اصطلاح ملی تا ۷۰ درصد به قطعات وارداتی وابسته هستند." احمد نعمت بخش، دبیر انجمن خودروسازان، در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، ۹ اردیبهشت‌ماه، با تایید قطعات وارداتی از چین، تفسیری متفاوت دارد و در مورد میزان این واردات می گوید: "آمار و ارقام کاملی ندارم. در نامه‌ای که به روسای کمیسیون ها نوشتم قید کردم که با سرکوب‌های مالی ایجاد شده و عدم اجازه افزایش قیمت خودرو، خودروسازان نمی توانند قیمت قطعه سازان را متناسب با افزایش هزینه‌های آنها، افزایش دهند. به همین خاطر قطعه سازان مجبورند بعضی از قطعات را از چین تهیه کنند." وی در بخشی دیگر از سخنانش می گوید: "حدود ۳۰ درصد قطعه سازان ورشکست شده‌اند. سال گذشته خودرو سازان حدود ۸ هزار نفر و قطعه سازان حدود ۱۰۰ هزار نفر تعدیل نیرو داشتند. بقیه قطعه سازان نیز زیر ظرفیت مشغول فعالیت هستند." وارد کردن قطعه از چین از سال‌ها پیش در جریان بوده است و بر اساس داده‌های آورده شده در بالا، به دلیل افزایش قیمت ارز، این واردات با مشکل مواجه شده‌اند، اما نعمت بخش این موضوع را برعکس کرده و می گوید به دلیل شرایط جدید، مجبور شده اند اخیراً قطعه‌هایی را از چین وارد کنند.

بهرام شهریاری، عضو سابق هیات مدیره انجمن قطعه سازان، در گفت‌وگو با فرارو، ۱۸ خردادماه، در باره تحریم ها می گوید: "متأسفانه در حالی که از قبل پیش‌بینی می‌شد که دامنه تحریم ها گسترش یابد اما برای شرایط امروز فکری نشده است." به گفته شهریاری، چند سال پیش بزرگ‌ترین شرکت طراح خودرو به ایران آمد که برای طراحی بدنه و پلت فرم مشارکت کند. اما مدیران خودرو سازی این موقعیت را به دلیل سیاست‌های غلط از دست دادند. توافق‌های اولیه بر میزان بهره وری ۶۰ درصدی خودروسازان و اشتغال ۱۵۰ مهندس ایرانی در اولین پروژه بوده است.

صنعت خودرو سازی با پنج دهه فعالیت در ایران نقشی مهم در اقتصاد و معیشت میلیون‌ها نفر داشته است و خواهد داشت. در طول این پنج دهه این صنعت همیشه به واردات قطعه و وسایل تکنیکی از دیگر کشورها وابسته بوده است، و تلاش برای خودکفایی این صنعت که گاه و بی‌گاه مطرح شده است، هنوز صورت تحقق به خود نگرفته است. اما آن چیزی که در طول سالیان اخیر به وقوع پیوسته است، سوای تحریم‌های اقتصادی این است که، با استفاده از ارزهای حاصل از فروش نفت، خودروهای بی کیفیت وارد بازار کرده‌اند و با توجه به امکان فروش انحصاری‌ای که در اختیار آنان گذاشته شده است، سودهای نجومی را نصیب جریانی خاص کرده است. اینکه پشت پرده این شبکه مافیایی چه جریانی وجود دارد، برای ما به‌طور کامل مشخص نیست، اما به طوریقین به دلیل سودهای کلان و نجومی آن، مقام‌های بالای حکومتی سهم مهمی از این چپاول را از آن خود می کنند. با توجه به تحریم‌های اعمال شده، دشواری در فروش نفت، محدودیت‌های ارزی، و بی‌توجهی به تولید داخلی، صنعت خودروسازی با مشکلی جدی روبرو است. در اینکه با تحریم‌های اعلام شده از سوی دولت آمریکا این وضعیت تشدید می شود تردیدی نمی توان داشت، اما با توجه به داده های بالا، با اطمینان می توان گفت در صورت وجود حکومتی مردمی، مقابله با چنین تحریم‌هایی به آسانی میسر بود. آن چیزی که در ورای این فرایند آشکار گردیده است، حاکمیت جریان ضد مردمی بر جان و مال مردمی است که شایسته زندگی بهتری‌اند.

## ادامه مردم ترکیه ...

معترض در نظر داشته‌اند مغایر بوده است، از جمله مصرف مشروبات الکلی در گردهمایی‌ها و تظاهرات- که البته ریشه در مخالفت با ممنوعیت این نوع نوشیدنی‌ها از سوی دولت اسلامگرا دارد. در مجموع، جنبش کنونی مردم ترکیه در واکنش به خودسری‌های اقتدارگرایانه و اسلامی دولت اردوغان تأثیر چشمگیری بر مبارزه دیگر جنبش‌های مردمی در منطقه ما دارد. ملت‌های منطقه در پیکار برای دست یافتن به حقوق انسانی و دموکراتیک‌شان تنها نیستند و یکی پس از دیگری به پا می‌خیزند.

در بسیاری از کشورهای جهان، گردهمایی و راه‌پیمایی‌هایی در شهرهای گوناگون در همسنگی با تظاهرکنندگان ترکیه برگزار شد، از جمله در آمریکا، آلمان، سوئیس، کانادا، اسرائیل، بلژیک، ایرلند، انگلستان، رومانی، یونان، قبرس، اسپانیا، هلند، و هنگ کنگ. در بسیاری از این گردهمایی‌ها، جامعه ترک‌تبارهای ساکن هر کشور حضوری فعال داشتند. حزب‌های کمونیست و کارگری جهان نیز همسنگی خود را با خواست‌های اجتماعی- اقتصادی- سیاسی دموکراتیک مردم ترکیه و مخالفت با اسلامی‌سازی حکومت، خشونت پلیس نسبت به تظاهرکنندگان و اقتدارگرایی اردوغان اعلام کرده‌اند و آزادی دستگیر شدگان، از جمله کمونیست‌های ترکیه را خواستار شده‌اند. در پیام‌های حزب‌های برادر، که خطاب به حزب کمونیست ترکیه ارسال شده است، توقف دخالت دولت ترکیه در امور داخلی سوریه و حمایت از شورشیان مرتجع به اصطلاح "ارتش آزاد سوریه" نیز خواسته شده است. در پیام حزب کمونیست مصر آمده است: "جوانان مصر از خیزش شما و خواست‌های شما حمایت می‌کنند، و در مبارزه برضد اردوغان و یاران او در مصر- یعنی دیکتاتور مرسى و اخوان‌المسلمین- در کنار شما ایستاده‌اند." حزب توده ایران نیز در پیام خود، همراه با اعلام همبستگی با خواست‌های برحق مردم ترکیه در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و حمایت از پیکارشان در راه دست‌یابی به خواست‌های شان، خشونت پلیس نسبت به مردم معترض را محکوم کرد، و آزادی همه دستگیرشدگان را خواستار شد. حزب ما در پیام خود، حمله به دفتر حزب کمونیست ترکیه و مرکز فرهنگی ناظم حکمت، و دستگیری اعضای آن حزب را محکوم کرد. هم‌صدا با حزب‌های برادر، در بیانیه‌ی مشترک، در روز ۲۳ خردادماه، روز همبستگی بین‌المللی با مردم ترکیه، حزب توده ایران، همبستگی‌اش با مردم و زحمتکشان ترکیه را اعلام کرد، و شیوه‌های سرکوبگرانه دولت اردوغان در رویارویی با جنبش اعتراضی مردم را محکوم دانست. مردم ما، و از جمله اعضای حزب ما، که سایه شوم حکومتی دین‌سالار و تاریک‌اندیش زندگی شان را تلخ و سیاه کرده است، خواست مردم ترکیه برای جدایی دین از حکومت را به‌خوبی درک می‌کنند، و در جلوگیری از دینی شدن حکومت و مقاومت در برابر اسلامی‌سازی حیات اجتماعی- سیاسی ترکیه برای آنان آرزوی موفقیت دارند. همین‌جا باید بگوییم که، وقتی از "اسلام سیاسی" صحبت می‌شود، آنچه مورد نظر حزب ما و دیگر نیروهای ترقی خواه است، رژیم دین‌سالار سیاسی- اجتماعی- اقتصادی‌ای است که اسلامگرایان برای به اصطلاح اداره کشورها تبلیغ و ترویج می‌کنند، و نه باورهای دینی و اسلامی شخصی اعضای جامعه که همواره برای ما محترم بوده است. تجربه ایران ولایی و افغانستان طالبانی، و تجربه‌های اخیر در مصر، یمن، تونس، و لیبی در به قدرت رسیدن نیروهای دین‌سالار و برقراری حکومت‌های دینی اسلامی، و همچنین تجربه تلاش نیروهای به اصطلاح "مجاهد اسلامی"- با پشتیبانی قدرت‌های "غربی" و شیخ‌نشین‌های مرتجع عرب- برای دست یافتن به قدرت در سوریه، برای ملت‌های کشورهای خاورمیانه و آفریقا که در مسیر دست‌یابی به حقوق شان در برابر غارتگری‌های امپریالیست‌ها، سرکوبگران، و چپاولگران محلی ثروت‌های ملی‌شان، یکی پس از دیگری به‌پا می‌خیزند، دربردارنده درس‌هایی گران‌بها است. همان‌طور که پیش از این نیز در نامه مردم [شماره ۹۲۲] آمده است، "اسلام سیاسی" در هر پوششی که عرضه شود، از جمله در پوشش به اصطلاح نظام "اسلام دموکراتیک" حزب عدالت و توسعه ترکیه، از پیروی از منافع اقتصادی- سیاسی طبقه‌ها و قشرهای معینی ناگزیر است. آنچه تا کنون در چنین رژیم‌هایی دیده‌ایم، جز تسلیم در برابر "بازار" به اصطلاح "آزاد" و جهان پر قدرت "سرمایه"، و در نهایت، عمیق‌تر کردن فاصله ثروت و فقر، گسترش بی‌عدالتی، و تحمیل محدودیت‌های اجتماعی و آزادی‌های دموکراتیک- بر اساس باورهای مذهبی- چیز دیگری نبوده است. "معجزه اقتصادی" ترکیه هم که در رسانه‌های غربی و طرفدار بازار بی‌نظارت آن را بزرگ‌نمایی می‌کنند و توی بوق و کرنا می‌زنند، همان‌طور که در مقاله "رویکرد اقتصادی- اجتماعی اسلام سیاسی" [نامه مردم، شماره ۹۲۲] نوشته‌ایم، به‌طور عمده بر اساس حساب اعتبار و زمین‌بازی و ساختمان‌سازی (و گردشگری) بنا شده است، و فاقد زیرساخت‌های تولیدی لازم برای ایجاد اقتصادی باثبات و مستحکم است.



## مردم ترکیه: استقلال و عدالت اجتماعی آری، حکومت دین‌سالار

تظاهرات اعتراضی اخیر مردم در ترکیه، که با جرقه اعتراض به خودسری دولت در تخریب فضایی سبز در نزدیکی "میدان تقسیم"، در استانبول، شعله‌ور شد، ده‌ها شهر ترکیه را به سرعت دربر گرفت، و بستری شد برای بلند شدن صدای اعتراض مردم به سیاست‌های داخلی و خارجی دولت اسلامگرای "حزب توسعه و عدالت" به نخست‌وزیری رجب طیب اردوغان. به‌روشنی دیده می‌شود که انفجار خشم مردم ترکیه نسبت به آنچه در کشور و در دولت اردوغان می‌گذرد جنبه‌های گوناگونی دارد، که از آن جمله اند نارضایتی عمومی از: سمت‌گیری اقتصادی و عدالت اجتماعی در کشور، دنبال کردن سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی - و به‌طور عمده غیرتولیدی - از سوی دولت اردوغان، معامله‌های کلان بر سر زمین، ساختمان سازی و بورس‌بازی، تقسیم ناعادلانه ثروت میان طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی که ثروت زیادی را نصیب عده‌ی قلیل کرده است؛ همچنین مخالفت [تظاهرکنندگان] با دخالت دادن دین در حکومت، مخالفت با "قانونی" کردن اعمال محدودیت‌های شرعی و اسلامی بر زندگی خصوصی مردم، و مخالفت با اقتدارگرایی شخص اردوغان و دارودسته‌اش، در عرصه داخلی؛ و در عرصه سیاست‌های خارجی نیز نارضایتی ملت به‌ویژه از دخالت‌های جانبدارانه دولت ترکیه در درگیری‌های سوریه و همکاری با "ناتو" و فراهم کردن امکان برپایی پایگاه‌های نظامی و جاسوسی و گذاشتن آن در اختیار این پیمان نظامی تجاوزگر. حمایت "غرب" از سیاست‌های سال‌های اخیر اردوغان و دولت او، نمونه روشن‌گر دیگری است در هم‌دستی امپریالیسم و ارتجاع در امر ثروت‌اندوزی سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران بزرگ خارجی و داخلی. خطر درگیر شدن ترکیه در جنگ‌های منطقه‌ای امپریالیسم‌ساخته، یکی دیگر از نگرانی‌های جدی مردم این کشور است. در سال‌های پیش نیز مردم مخالفت‌شان با سیاست‌های مداخله‌جویانه و جنگ‌طلبانه دولت، از جمله، مخالفت با فرستادن نیرو به عراق و هم‌دستی با اشغالگران آمریکایی را اعلام کرده بودند.

از سوی دیگر، رجب طیب اردوغان - که نیمه شب پنج‌شنبه ۱۶ خردادماه پس از سفری ۴ روزه به آفریقای شمالی از تونس به کشور بازمی‌گشت، هم قبل از پرواز و هم پس از ورود به کشور و نیز در روزهای بعد - در فرودگاه استانبول، به شیوه همه اقتدارگرایان و دیکتاتورهای تاریخ ادعا کرد که گروه‌های تروریستی در تظاهرات اخیر دست داشته‌اند، و [بنابراین] کاری که آنان می‌کنند غیرقانونی است. او همچنین گفت: "آنان که خودشان را روزنامه‌نگار، هنرمند یا سیاستمدار می‌دانند، به شیوه‌ی بسیار غیرمسئولانه راه را برای کینه و نفرت، تبعیض و تحریک باز کرده‌اند." گفتنی است که هم‌اکنون ترکیه در زمینه محدودیت آزادی بیان و بازداشت و زندانی کردن روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان یکی از سیاه‌ترین کارنامه‌ها را دارد. اردوغان در گردهمایی موافقان دولت، با حمله لفظی مجدد به تظاهرکنندگان مخالف، باز هم به شیوه حاکمانی که نمی‌خواهند صدای مردم را بشنوند، معترضان را "اخلالگر و غارتگر" [نمونه ترکیه ای "خس و خاشاک" احمدی‌نژاد] خواند، که این گستاخی او تشدید هرچه بیشتر خشم مردم را موجب شد. او همچنین ادعا کرد که، عده زخمی‌شدگان پلیس بیش از زخمی‌های مردم بوده است! [شباهت این ادعا با ادعاهای رژیم اسلامی

ایران در رخدادهای کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸ بسیار جالب است]. مردم اینک اردوغان را دیکتاتور می‌خوانند و استعفاى او و دولت "حزب توسعه و عدالت" را خواهانند، اگرچه این تنها خواست آنان نیست. تظاهرات گسترده و سراسری قشرهای گوناگون اجتماعی در ترکیه، که به شکلی مسالمت‌آمیز آغاز شده بود، پس از یکی دو روز، از سوی نیروهای انتظامی و پلیس به خشونت کشیده شد. به گزارش خبرگزاری‌ها، تا کنون هزاران تن زخمی و ۳ تن کشته شده‌اند، به‌طوری که حتی اتحادیه اروپا نیز نسبت به برخورد خشونت‌آمیز پلیس ترکیه ابراز ناخشنودی کرد. به گزارش روزنامه چپگرای "SOL"، گستردگی جنبش اجتماعی اخیر ترکیه به حدی است که تصورش نمی‌رفت، و این خود از انباشت نارضایتی از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور در ۱۰ سال گذشته و گسترش آن در جامعه ترکیه امروز نشان دارد. گروه‌های اجتماعی و سیاسی گوناگونی در امر سازمان‌دهی و مشارکت در راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات اعتراضی مردم شرکت دارند، که از آن جمله‌اند: جوانان و دانشجویان، کارگران، زنان، کارمندان دولت، و آموزگاران. اعضای دو سازمان کارگری بزرگ ترکیه نیز به اعتصابی دو روزه دست زدند و در تظاهرات اعتراضی در خیابان‌ها شرکت کردند: کنفدراسیون اتحادیه کارکنان دولت و کنفدراسیون سندیکاهای مترقی ترکیه، که هر کدام چندین سندیکا را دربر دارند و شمار اعضای‌شان بالغ بر نیم میلیون نفر است. کمونیست‌های ترکیه از نیروهای سیاسی‌ای‌اند که حضور فعالی در جنبش مردمی ترکیه دارند. تا کنون شمار زیادی از اعضای حزب کمونیست ترکیه مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و بازداشت و زندانی شده‌اند. با وجود این، تمرکز سازمان‌دهی و رهبری این جنبش اجتماعی هنوز یکی از نقطه ضعف‌های آن به‌شمار می‌آید، و به رغم تلاش‌هایی که از سوی سازمان‌ها و حزب‌های سیاسی صورت گرفته و یا خواستی که از میان مردم فریاد شده است، هنوز این رهبری متمرکز تحقق نیافته است. به همین سبب، اینجا و آنجا دیده شده است که شکل اعتراض، شعارها، پارچه‌نوشته‌ها، و برخورد با نیروهای انتظامی با آنچه عامه مردم

ادامه در صفحه ۱۱

### کمک های مالی رسیده

کمک از ایران ۵۰۰ دلار  
به یاد رفیق رحمان هاتفی، از سوئد ۱۲۰ یورو  
طهمورث از رشت ۲۱۵ یورو

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
آدرس‌های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 923**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

17 June 2013

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.  
بانک: Berliner Sparkasse  
کد بانک: 100 500 00  
شماره حساب: 790020580  
IBAN: DE35 1005 0000  
0790 0205 80  
BIC: BELADEBEXXX